ماشاء اللہ لا قوۃ الا باللہ

[illegible]

اثبات مذہب اہلسنت از قرآن مجید

باہتمام محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان مغفور ... برادر ... مصنف ...

در مطبع نظامی واقع کانپور مطبوع گردید ١٢٨٥

بسم اللہ الرحمن الرحیم

جلد دوم	غرہ محرم سنہ ۱۲۸۴ ہجری مطابق ششم مئی سنہ ۱۸۶۷ عیسوی	نمبر ۳

بعد حمد خدائے علیم وحکیم اور نعت رسول کریم علیہ وعلی آلہ واصحابہ الصلوۃ والتسلیم کے بندۂ امید وار رحمت بے پایان حضرت ایزد منان محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان مبرور، وبرادر کوچک محمد مصطفی خان مغفور خدمت مین شائقین علم دین اور طالبین مسائل شرع متین کے عرض کرتا ہی کہ زمانۂ پیشین مین اکابر علما کے باعث سے ترقی علم دین کی اسقدر ہوئی کہ اوسکا اثر آج تک باقی ہی لیکن اس عصر مین بسبب سستی اور کاہلی اور بے رغبتی کے اس مرتبہ ضعف ہمت اور توفیق مسلمانون نمین آگیا ہی کہ اوسکے باعث سے صورت اندراس علم کی مشاہد اور نمایان ہی پس ایسے

ایسے وقت مین سب مسلمان بھائیون کو واجب ہی کہ علماے سابق مین سے جو
باقی رہگئے ہین اونکی ذات بابرکات کو متبرک اور غنیمت جانکر اونکی تعظیم اور تکریم اور
خدمتگزاری کو وسیلہ مباہات دنیوی اور ذریعہ نجات اخروی کا سمجھین اور جو لوگ
زندہ نہین ہین اونکے کلام کے احیا مین ہمت مبارک کو صرف کرین اور جو بسبب
کم نصیبی کے مشاہدہ جمال باکمال اور فیضان صحبت علماے حق قائم سے محرومی حاصل ہی
تو اس صورت مین چاہیے کہ اونکے کلام کو بھی حرز بازو اور تعویذ گلو جانین اور
اونکے فتوے کو دستور العمل کارروائی اپنی کا تصور کرین لیکن ازبسکہ بہتیری اونکی
تکلف سے خالی نہین اور ہر شخص پر یہ بات بخوبی حالی نہین کہ کسکی تحریر مستند اور کسکا
قول معتمد ہی نظر بران اس عاجز نے بخوض وتامل یہ بات تجویز کی کہ جو مقدمات علماے ذی شان
حنفیہ مسلک کے حضور مین پیش ہوکر مسجل بدستخط اونکے ہوئے ہین اونکی اشاعت کرکے اونکے
فیض سے سبکو مالامال کرے اور سوا اوسکے جن صاحبون کو کچھ ضرورت واقع ہو مسائل
ضروری تحریر کرکے مع عہ مطبع نظامی واقع شہر کانپور مین ارسال کرین علماے
دہلی اور رامپور اور لکھنؤ سے دستخط کرلکے اونکی خدمت مین بھیجے جائینگے اور
یہ زر صرف محصول خط مین صرف ہوگا بعد اوسکے پھر وہ استفتا داخل اس مجموعہ کے
ہوگا اور اس مجموعہ کا نام **فیض عام** رکھا ایزد تعالی وتقدس برکت دے اور اوسکی
ترقی کی توفیق ارزانی کرے **دوسری** عرض شائقان علم دین کی خدمات مین یہ ہے
کہ جن صاحبون کے پاس استفتاءات دستخطی جناب شاہ عبد العزیز قدس سرہ ودیگر علماے کبار کے

موجود ہوں از راہ عنایت اصل یا نقل بسبیل ڈاک ارسال فرمائیں تاکہ وہ بھی اس مجموعہ میں داخل کیے جائیں اور اگرچہ مصارف اسکے بہت ہیں لیکن بخیال نفع رسانی خلائق بہت کم قیمت مقرر کی انشاء اللہ بعد ہر سہ ماہی کے ایک مجموعہ استفتاہای مسائل ضروریہ کا مرتب کیکے خدمت شائقین میں مرسل ہوگا امید کہ جو صاحب دوام کے واسطے خریدار چاہیں تو اپنے نام و نشان سے اطلاع بخشیں کہ وقت طیاری روانہ کیا جائے گا

سوال ما قولهم رحمهم الله تعالی

اندرین معنی کہ شیعہ گویند مذہب ما حق است و روایات کتب ما از ایمہ اہل بیت مروی اند و روایات سنیان معتبر نیستند و فرقہ ناجیہ ما ئیم کہ بر مذہب اہلبیت میرویم و ما ئیم کہ بحکم اَطِیْعُوا اللّٰہَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ متابعت ایمہ اثنا عشر میکنیم و اولی الامر ایمہ اند نہ کسی دیگر از صحابہ و علما و از سلاطین و سنیان گویند کہ فرقہ ناجیہ ما ئیم کہ بر مذہب اہلبیت و صحابہ میرویم و روایات ما از ہمہ بزرگان مروی است و روایات شیعہ معتبر نیست و بر ایمہ افترا می بندند درین صورت مردم عوام بیچارگان کہ حال جمیع کتب دین نمیتوانند کرد بکمال پریشانی لاحق میشود چہ کنند و کدام راہ و مذہب اختیار نمایند جواب شافی کہ کسی را جای دم زدن و مجال انکار نباشد و بوجہ احسن ظاہر گردد کہ کدام فریق عمل بقرآن و حدیث و قول ایمہ میکنند رقم باید فرمود جزاکم اللہ خیر الجزا

جواب ہو الملہم للحق والصواب

حق سبحانہ و تعالی بعد انتشار کفر و شرک در عالم رسول کریم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم را

وسلم را در مکه مبعوث فرموده وکتابی بزبان عربی بروی نازل نمود در وصف کتاب
خود میفرماید هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ یعنی قرآن هدایت کنندهٔ متقیان ست براه راست
ومسائل ایمان معتقد در وی بتفصیل وتصریح بیان فرموده وحاجت بکتابی دیگر نگذاشته لهذا
چنانچه خود میفرماید اَوَلَمْ يَكْفِهِمْ اَنَّا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ يُتْلٰى عَلَيْهِمْ اِنَّ فِيْ
ذٰلِكَ لَرَحْمَةً وَّذِكْرٰى لِقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ یعنی آیا کفایت نکرد ایشانرا آنکه نازل کردیم ما
بر تو کتاب که تلاوت کرده می شود بر ایشان بدرستیکه درین کتاب هر آینه رحمت و پندیست
برای گروه مومنان پس هر کرا راه نجات خود جستن منظور باشد از قیل وقال کتابهای فرق
دیگر گذشته رجوع بتصریحات کتاب الله آرد ودر وی تامل کند چنانچه حق تعالی میفرماید
كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ اِلَيْكَ مُبٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوْٓا اٰيٰتِهٖ وَلِيَتَذَكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ
یعنی قرآن کتابی ست با برکت که فرستادیم بر تو ای محمد برای آنکه تدبر وتفکر کنند بندگان
آیات او را وتا که پند پذیرند خداوندان عقول صافیه پس صاحب عقل صافی آنست که بمضمون
صریح آیات ایمان آورده مذهب خود محکم سازد ووهم وشبهات واهیه را که مصنفان
کتابها هر کس موافق مدعای خود بر آورده اند یکسو گذارد مگر جائی که معنی ظاهری کدام آیت
با معنی آیات دیگر موافقت نداشته باشد آنجا تاویل کردن برای موافقت دیگر
آیات مضایقه ندارد پس بشنو که بیشتر نزاع سنی وشیعه در حق صحابهٔ رسول الله صلی الله
علیه وآله وسلم ست ودر دیگر مسائل کم وچون این نزاع با آیات محکمات قرآنی خیزد
دیگر مسائل خود بخود حل شوند سنیان گویند که صحابه اولین وآخرین همه مغفور وبهشتی اند

در حق آنها سوای حسن ظن جائز نیست و بهیچ وجه طعن و تشنیع درست نی و شیعه گویند
که بسیاری آنها منافق بودند یا بعد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مرتد شدند و خلافت
که حق اهلبیت بود غصب کردند و خانه آنحضرت را خوان یغما دانسته بردند و [illegible]
هر شخصی از قوم خود بطمع دنیا و هوای نفس ریاست مقرر کرده او را خلیفه رسول الله نام نهاده
و شیعه در کتب خود بسیار مطاعن در حق آنها ذکر میکنند اکنون ای برادر این قضیه را از کتاب الله
که فرمان احکم الحاکمین است باید پرسید و هرچه ارشاد شود آنرا در دل خود بلا تردد و انکار
جا باید داد و اگر بعد حکم کتاب الله هم باز کسی این هوا و آن هوس دود و شبهات کتابهای
مردمان بخاطر راه داده خواهد که معانی کتاب الله بگرداند یا دران شک آرد یقین دانسته
شود که آنکس ایمان بخدا و کتاب او ندارد و قرآن او را کفایت نمیکند پیغمبران در زعم
فاسد او همان مردمان اند که شبهات از کتابهای شان در دل او می در آرند پس آنکس خارج
از بحث اسلامی است حَسْبُهٗ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ پس بدان وفقک الله تعالی
و ایانا که در کتاب الله مدح اصحاب خواه مهاجرین خواه انصار خواه دیگران که بعد مهاجرین
و انصار ایمان آورده اند و بشرف صحبت و ملازمت آنحضرت مشرف شده همراه
وی جهاد کردند و نمازها خواندند و از وی احادیث شنیدند بمرتبه آمده که بعد اطلاع
بران هیچ عاقل تجویز نکند که آنها منافق بودند یا مرتد شدند هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ الَّذِيْنَ
يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۝
یعنی قرآن هدایت کننده و دلالت کننده است براه راست پرهیزگاران را آنانکه

آنانکه ایمان می آرند بغیب و برپا میدارند نماز را و از آنچه ایشان را روزی داده ایم انفقه
می کنند والذین یؤمنون بما انزل الیک وما انزل من قبلک و
بالآخرة هم یوقنون وآنانکه ایمان می آرند بانچه نازل کرده شده بسوی تو وبانچه
نازل کرده شده پیش از تو وبه آخرت ایشان یقین میدارند اولئک علی هدی
من ربهم واولئک هم المفلحون آن گروه بر راه راست اند از پروردگار
ایشان یعنی بمدد توفیق او راه صواب یافته اند وهمان گروه ایشانند رستگاران از
عقاب وبشر الذین آمنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجری
من تحتها الانهار ط وبشارت ده ای محمد بکسانیکه ایمان آوردند وکارهای نیکو
کردند آنکه مر ایشانراست بهشتها که جاری اند در زیر آنها نهرها والذین آمنوا وعملوا
الصالحات اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون وآنها که ایمان آوردند
وکارهای شایسته کردند آنها اهل بهشت اند ایشان دران بهشتها جاویدان باشند بلی
من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم
ولا هم یحزنون نه چنین است که یهود ونصاری میگویند که در جنت سوای یهود
ونصاری کسی نرود بلکه هرکه اسلام آورد وتسلیم نمود همه خود را برای خدا او نیکوکار است
پس برای او مزد اوست نزد پروردگار او هیچ ترسی نباشد بر ایشان ونه ایشان
غمگین شوند این آیات که در مدح مومنان مذکور شد در وقت نزول سوای صحا[به]
کسی نبود که صحابه ازین آیت خارج کرده شود باز حق تعالی میفرماید که ابراهیم علیه السلام

وقت بنای کعبه این دعا کرده بود رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا
أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ ای پروردگار ما بگردان ما هر دو یعنی مرا و پسرم اسمٰعیل را مخلص
و مطیع مر ترا و گردان از اولاد ما جماعتی را انقیاد کننده و فرمان برنده مر ترا رَبَّنَا وَابْعَثْ
فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
وَيُزَكِّيهِمْ ای پروردگار ما برانگیز و بفرست در میان ایشان پیغمبری را از ایشان که
بر ایشان آیات کتاب تو و بیاموزد ایشان را قرآن و معانی آن از حلال و حرام و غیره و پاک
گرداند ایشان را از شرک و گناه حق سبحانه و تعالی دعای آنحضرت را اجابت کرد و رسول
کریم را در مکه معظمه مبعوث فرمود و بسیاری از قریش را اسلام نصیب شد و در زمره
صحابه منسلک گردانید درینجا نکته ایست که بآب زر باید نوشت و آن اینست که هرگاه
حق سبحانه و تعالی دعای حضرت ابراهیم علیه السلام را که در حق ذریت خود یکبار کرده بودند
باجابت مقرون فرماید دعای سید انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم که بیشک افضل از
ابراهیم علیه السلام بودند و هر روز هفده بار در هفده رکعت نماز فرض که بجماعت
میگذاردند و در حق تمام مقتدیان خود اهدنا الصراط المستقیم بصیغه متکلم مع الغیر مینمودند
چگونه اجابت نفرماید و شک نیست که تمامه مهاجرین و انصار خصوصاً خلفای ثلثه
ابرار لیل و نهار نمازها همیشه همراه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم میخواندند پس کسیکه
اینها را بر صراط مستقیم نداند یقین که منکر دعای آنحضرت باشد و خود محروم القسمت
گردد نعوذ بالله منه و نیز صحابه کرام گفتند که شما دین خود را گذاشته پیرو دین ما شدید حق سبحانه و تعالی فرمود که شما

بگوئید که ما بهمه انبیا ایمان آوردیم و ما مطیع فرمان خداییم باری تعالی فرمود فان آمنوا بمثل ما آمنتم به
فقد اهتدوا و ان تولوا فانما هم فی شقاق پس اگر ایمان آرند اهل کتاب
چنانچه شما ایمان آوردید پس تحقیق راه راست یابند آنها، و اگر اعراض کنند و روگردانند
پس نیستند آنها مگر در مقام خلاف و عداوت وکذلک جعلناکم امة وسطا
لتکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیدا
همچنانکه قبلهٔ شما را افضل قبلها ساختیم شما را هم گردانیدیم گروهی عادل و برگزیده
تا باشید شما گواهان برای انبیا بر منکران نبوت روز قیامت و باشد پیغمبر بر شما
گواهی دهنده یعنی بر صدق شما گواهی دهد این خطاب بآنجماعت ست که وقت
تحویل قبله موجود بودند و خلفای اربعه و بعضی دیگر از مهاجرین و انصار از آن جماعت اند
و این خطاب بدیگران بطفیل و تبعیت آنها خواهد بود پس هر که آنجماعت را عادل
نداند منکر این آیت باشد در ابتدای اسلام بعد نماز عشا اجازت طعام و مباشرت
در شبهای صیام نبود چون از بعضی صحابه در وقت منهی عنه این فعل بوقوع آمد
و بعرض آنحضرت رسانید ندا آیه آمد احل لکم لیلة الصیام الرفث
الی نسائکم هن لباس لکم وانتم لباس لهن حلال کرده شد
برای شما در شب صیام مباشرت با زنان خود ایشان پوشش اند مر شما را
و نیز شما لباس اید مر ایشان را علم الله انکم کنتم تختانون انفسکم
فتاب علیکم وعفا عنکم دانست خدا و ازل که شما خیانت کنید

بانفسهای خود بسبب مباشرت در غیر وقت جواز پس رجوع کرد بر شما برحمت و رخصت
داد بمباشرت در شب صیام و عفو کرد تقصیر شما + ای برادر تامل کن که چه دریای
کرم در حق آنها جوشش میزند که حق سبحانه و تعالی با وجود علم ازلی خود بر خیانت
و تقصیر شان قلم عفو و صفح بر گناه شان کشید باز بشنو اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِیْنَ
هَاجَرُوْا وَجَاهَدُوْا فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِکَ یَرْجُوْنَ رَحْمَةَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ
غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ بدرستی آنانکه ایمان آورده اند و هجرت کرده اند و جهاد کرده اند در راه
خدا آن گروه امید میدارند رحمت خدارا و خدای تبارک و تعالی آمرزنده گناهان
ایشان و مهربان بر ایشان ست این آیت دلالت میدارد که مهاجرین مغفور اند
پس کسی که آنهارا مغفور نداند منکر این آیت باشد اَللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ
مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَی النُّوْرِ خدای تعالی متولی امور و دوست کسانیست که
ایمان آوردند بمحمد صلی الله علیه و آله وسلم و بقرآن بیرون می آرد خدای تعالی آنهارا
از تاریکیهای کفر و ضلالت بسوی روشنائی ایمان و هدایت اَلَّذِیْنَ یُنْفِقُوْنَ
اَمْوَالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَّعَلَانِیَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ آنانکه خرج می کنند مالهای خود را در شب
و روز پنهان و آشکارا پس برای ایشان ثواب ست نزد پروردگار شان و نیست خوف
بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحَاتِ
وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّکٰوةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ

ایضاً

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ترجمه این آیت از آیاتِ سابق ظاهر شود اٰمَنَ
الرَّسُولُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُوْنَ ایمان آورد پیغمبر خدا بانچه
نازل کرده شد بسوی او از پروردگار وی و مومنان هم ایمان آوردند كُلٌّ اٰمَنَ
بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ همه یعنی پیغمبر و یاران او ایمان آوردند بخدا
و فرشتگان او و کتابهای او و پیغمبران او لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهٖ
می گویند نبی و صحابه که جدائی نکنیم میان هیچ یکی از پیغمبران او بلکه بهمه پیغمبران
ایمان داریم الله عزیز جل سبحانه و تعالی شهادت داد بایمان صحابه و ایمان آنهارا
بایمان رسول خود مقرون ساخت و ازین زیاده تر کدام کرامت باشد پس هر که در ایمان
آنها شک آرد حال او بکجا رسد نعوذ بالله منه قُلْ ءَاُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذٰلِكُمْ
بگو ای محمد بدر ویشان صحابه آیا خبر دهم شمارا به بهترین از متاع دنیا لِلَّذِيْنَ اتَّقَوْا
عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا برای کسانیکه
پرهیز کردند از شرک و گناه نزد پروردگار شان بهشتهاست که جاری اند زیر آنها نهر
جاوید باشند ایشان در جنات وَاَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ برای ایشانست زنان پاکیزه
وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ و خوشنودی از خدا وَاللّٰهُ بَصِيْرٌ بِالْعِبَادِ خدای تعالی
بیناست بر احوال بندگان اَلَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اِنَّنَآ اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا
ذُنُوْبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ آنانکه میگویند ای پروردگار ما بدرستیکه ما ایمان
آوردیم پس بیامرز مارا گناهان مارا و نگاهدار مارا از عذاب آتش دوزخ دیگر صفت شان

میفرماید الصّابرین و الصّادقین و القانتین و المنفقین و المستغفرین بالاسحار صبر کنندگان و راستبازان و فرمان برداران خدا و نفقه کنندگان در راه او و استغفار کنندگان بوقت سحر و رئیس این جماعت ذات پاک رسول است و اصحاب او چنانچه از دیگر آیات ظاهر میشود که این همه اوصاف در صحابه بودند ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا و الله ولی المؤمنین بدرستیکه سزاوارترین مردمان بدین ابراهیم آنانند که متابعت او کرده بودند و این پیغمبر و مومنان اند و خدا دوست مومنان است و قتی در میان انصار بعد اسلام بعادت جاهلیت جنگ واقع شد حق تعالی نهی کرد و فرمود واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و یاد کنید نعمت خدا را که بر شما افاضه کرد چون بودید باهم دشمنان پس الفت داد در میان دلهای شما پس گشتید برحمت خدا برادران یکدیگر و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها و بودید شما بواسطه کفر بر کناره مغاکی از آتش دوزخ پس خلاصی داد شما را از آن کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله هستید شما بهترین گروهی که از خلوتخانه غیب بیرون آورده شده است از برای مردمان امر می کنید به نیکوئی و نهی می کنید از منکر و ایمان میدارید بخدا روزی وقت صبح آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم از خانه عایشه رضی الله عنها بر خاسته صحا

را برای جنگ احد جا بجا میفرمود حق تعالی آن قصه را یاد میدهد وَإِذْ غَدَوْتَ
مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ یاد کن ای محمد چون بامداد
بیرون شدی از منزل اهل تو که عایشه است میساختی و مهیا میکردی بجهت مومنان
جاهای ایستادن برای کارزار و چون در جنگ احد بر جماعتی از مسلمانان بسبب عصیان
امر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شکست افتاد و بفرار نهادند حق تعالی در حق آنها
میفرماید إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ
الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ
بدرستی آنانکه پشت دادند از شما روزیکه جمع شدند دو جماعت یعنی کافران و مومنان
جز این نیست که بلغزانید ایشان را شیطان بشامت بعضی آنچه کرده بودند از مخالفت امر
و هر آینه بتحقیق خدای تعالی عفو کرد از ایشان بدرستیکه خدای تبارک و تعالی غفور و حلیمست
ای مسلمان پاکیزه باطن درین آیت تامل کن که رحمت الهی چه زود آنجماعت پاک را دستگیری
میکرد و ازین آیت عین عنایت الهی درباره آنها جلوه گر میگردد نه چنان که تیره درونان
خیال کنند و ازین آیت پی بطعن برند حاشا ثم حاشا چیزی را خدای تعالی بخشد و بنده
اعتراض کند معلوم شود که از آیت عفو انکار دارد پس کفر او ظاهر است نعوذ بالله
لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ
آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ بدرستی و راستی منت نهاد
خدای تعالی بر مومنین چون فرستاد در میان ایشان پیغمبری هم از ایشان میخواند

بر ایشان آیات خدا و پاک میگرداند ایشان را و می آموزد ایشان را الکتاب و حکمت
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ بدرستی که بودند ایشان پیش از آمدن
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در گمراهی هویدا یعنی کفر و شرک از این آیت مستفاد
شد که بعد آمدن آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم در ضلال نماندند فَالَّذِينَ هَاجَرُوا
وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ
عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
پس کسانیکه هجرت کردند و بیرون کرده شدند از خانهای شان و ایذا داده شدند
در راه من و کارزار کردند با کفار و کشته شدند هر آینه در گذارم از ایشان بدیهای
ایشانرا و در آرم ایشانرا در بهشتها که میرود از زیر درختان یا منازل آنها نهر
ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثواب دهیم ایشان را ثواب دادنی از نزد خدا از این آیت ثابت
شد که گناهان مهاجران مغفور اند وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا
أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ترجمہ این آیت از ما تقدم ظاهر
میشود معنی ظلا ظلیلا سایه دراز است که انقطاع نشود لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ برابر نیستند نشینندگان در خانهای خود از مومنان
که نباشد خداوند بیماری و عجز و جهاد کنندگان در راه خدا با مالهای خود و جانهای

خود فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِيْنَ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِيْنَ دَرَجَةً
فضیلت داد خدا تعالی جهاد کنندگان را بمالها و جانهای خود بر نشینندگان از روی
درجه وَكُلًّا وَّعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى و همه ایشان که مجاهدان و چه غیر مجاهدان وعده
کرده است خدا بجزای نیک بهشت ست این آیت صریح ست در آنکه صحابه خواه
مجاهدان باشند خواه نشینندگان در خانها مغفور اند و اگر منافق یا مرتد بودندی با آنها
وعید دوزخ بودی نه وعده حسنی پس هر که در حق آنها سوای وعده حسنی چیز دیگر
گمان کند ازین آیت منکر باشد و کافر نعوذ بالله وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ
وَرُسُلِهٖ وَلَمْ يُفَرِّقُوْا بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ اُولٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيْهِمْ
اُجُوْرَهُمْ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا و کسانیکه ایمان آوردند بخدا تعالی
و پیغمبران او و فرق نکردند میان یکی از پیغمبران زود باشد که بدهد خدا تعالی
اجر آنها و هست خدا غفور رحیم و سابق در آیت اٰمن الرسول گذشته که
صحابه بهمین نمط ایمان آوردند پس هر که آنها را مومن نگوید ازین آیت منکر باشد
فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ وَيَزِيْدُهُمْ
مِّنْ فَضْلِهٖ ج فاما کسانیکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند پس خدا تعالی
جزای آنها تمام و کمال خواهد داد و زیاده خواهد کرد از فضل خود فَاَمَّا الَّذِيْنَ
اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمُوْا بِهٖ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِيْ رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ
وَّيَهْدِيْهِمْ اِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا اما کسانیکه ایمان آوردند بخدا و چنگ زدند

باو پس زود باشد که در آرد خدا آنها را در رحمتی از نزد خود و در فضل خود و بنماید ایشان را
بسوی خود راهی است آز آیت آمن الرسول ایمان صحابہ ثابت شد واز ین آیت واضح
گشت کہ روز بروز ساعت بساعت آنها در فضل و رحمت الٰہی خواہند بود و براہ راست
خواہند ماند حق تعالیٰ خطاب بصحابہ بعنوان یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا فرمود بعد ذکر
احکام وضو و تیمم میفرماید مَا یُرِیدُ اللّٰهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلٰکِنْ
یُرِیدُ لِیُطَهِّرَکُمْ وَلِیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ
حق تعالیٰ نمی خواہد کہ بر شما تنگ گیرد ولیکن ارادہ می کند کہ شما را پاک گرداند و تا تمام کند
نعمت خود را بر شما تا شکر گویید باید دانست و انصاف باید داد کہ شیعہ از آیت تطہیر
إِنَّمَا یُرِیدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا
کہ بعینہ مانند ہمین آیت ست بلفظ یرید و یطہر عصمت امام ہدی علی مرتضیٰ و حسنین
و سیدة النساء علیہم التحیة والثنا اثبات می کنند و از ازواج مطہرات را کہ سباق
و لحاق این آیت در قصہ آنہاست بسینہ زوری اخراج می کنند پس بر ایشان لازم
افتاد کہ صحابہ را بسبب وضو معصوم گویند و معصوم نزد ایشان امام و مفترض الطاعة است
پس بقول ایشان تمام صحابہ بلکہ تمام امت مفترض الطاعة شدند و این خود محال است
پس حق آنست کہ معنی ہر دو آیت طہارت از ذنوب و از صفات ذمیمہ نفسانیست
نہ عصمت یا زیادتی طہارت ظاہری در آیت وضو پس دخول ازواج در آیت تطہیر
ظاہر ست بلکہ لازم و ضروری بنا بر رعایت سیاق و سباق آیت و علی اللہ

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ترجمه اش ظاهر است
قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ
سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ
إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ بدرستیکه آمد بشما از نزد خدایتعالی روشنی و کتاب روشن کننده
که هدایت میکند خدایتعالی بآن نور کسی را که متابعت خوشنودی وی کند راههای اسلام
و بیرون می آرد آنهارا از تاریکیها بسوی روشنائی باراده و توفیق خود و هدایت می کند
ایشانرا براه راست و در قرآن در حق حاضران احد و بروایتی در حق حاضران بدر صغری
که بعد یکسال از غزوهٔ احد بود و آنها یکهزار و پانصد بودند بتصریح وارد شده قد اتبعوا
رضوان الله پس اینهمه بزرگان بموجب این آیت بر صراط مستقیم بوده اند و از ظلمت نجات یافته
بودند پس هر که در حق این همه اکابر سوای هدایت و ایمان چیز دیگر گمان برد خود مطرود
گردد وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ
رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ
مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ و چون بیایند نزد تو ای محمد آنانکه
ایمان دارند بآیتهای ما پس بگو سلام بر شما باد نوشت پروردگار شما بر ذات خود
رحمت را یعنی وعده رحمت موکد ساخته بدرستیکه بکند از شما کار بد بنادانی پس توبه
کند بعد از آن و بصلاح آرد حال خود را پس تحقیق خدا غفور رحیم است مروی در روز
حق سبحانه و تعالی خطاب بملائکه کرده اصحاب بدر را که سه صد و چند کس بودند و خلفای راشدین

سوای حضرت عثمان رضی اللہ عنہ درانجا حاضر بودند وازشر میفرماید اذ یوحی ربک الی الملائکۃ انی معکم فثبتوا الذین آمنوا یاد کن ای محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم چون وحی میکرد پروردگار تو بسوی ملائکہ کہ من ہمراہ شمام ثابت داریبد مومنان را ومتصل ہمین آیت فرموده وان اللہ مع المؤمنین وبدرستیکہ خدا با مومنانست ہو الذی ایدک بنصرہ وبالمؤمنین او آنخدا وندست کہ قوت داد ترا ای محمد بیاری کردن خود بفرستادن ملائکہ و بمومنان والف بین قلوبہم لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبہم ولکن اللہ الف بینہم والفت داد خدای تعالی درمیان دلہای شان اگر خرچ میکردی ای محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آنچہ در زمین ست از خزانہا ومتاع ہمہ را الفت نمیدادی درمیان دلہای شان ولیکن خدا تعالی الفت داد درمیان آنہا ازین آیت بریع می شود زبان کسانی کہ گمان فاسد برند وگویند کہ در صحابہ باہم عداوت قلبی بود وبظاہر معاملہ دوستانہ بتقیہ وامثال آن میکردند نعوذ باللہ من وساوس شیطان باز بشنو کہ درحق این بزرگان چہ خلعت کرامت عنایت شد والذین آمنوا وہاجروا وجاہدوا فی سبیل اللہ وآنانکہ ایمان آوردند وہجرت کردند وجہاد نمودند در راہ خدا والذین آووا ونصروا وآنانکہ جا دادند مہاجران را ونصرت کردند پیغمبر خدا را اولئک ہم المؤمنون حقا آن گروه ایشانند مومنین حقا ولقینا لہم مغفرۃ

وَرِزْقٌ كَرِيمٌ مر ایشان را مغفرت ست و روزی نیکو که در جنت بهشت ایشان را
پاکیزه نهاد این آیات در سورهٔ انفال که در قصهٔ بدر نازل شده موجود اند و بر موافق و
مخالف ظاهر ست که خلفاء الراشدین از حضار معرکهٔ بدر اند چنانچه بالا ذکر یافته
و حضرت عثمان رضی الله عنه که درین غزوه نبود سببش آنست که آنحضرت او را برای
تعهد و تمریض زوجهٔ او شان رقیه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در مدینه
گذاشته بود ولیکن او را از غنیمت بدر حصه داده اند و لهذا ایشان را از بدریان
میشمارند و خوشنودی که حق تعالی شهادت بایمان آنها داد و وعدهٔ مغفرت
فرمود پس اگر کسی با وجود این قسم تصریحات قرآنی نسبت نفاق یا مرتد شدن بسوی
هم از انها کند یقین ست که منکر اینهمه آیات باشد و خود مرتد گردد نعوذ بالله منه
باز بشنو که چه دریای کرم در بارهٔ اینان جوش میزند اَلَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا
وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللهِ
ترجمه اش ظاهر ست وَأُولٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ و آن گروه ایشان ظفر یافتگانند
و بمنزل مقصود رسیدگان يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ
لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ مژده میدهد ایشان را پروردگار ایشان برحمتی از خود
و خوشنودی کامل و بهشتها که باشد مر ایشان را در ان بهشتها نعمت دائم بی انقطاع
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا که جاوید باشند در بهشتها إِنَّ اللهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ
بدرستیکه خدا نزد اوست ثواب عظیم ای مومن پاکیزه درین آیت تامل فرما که با وجود

ایضاً
ایضاً
ایضاً

این بشارات عظیمه چه جای توهم نفاق یا ارتداد است پس هر که در حق یکی هم از مهاجرین
سوای این بشارت توهم کند خود محروم العاقبه گردد روز حنین چون لشکر پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم بسیار بود بعضی گفتند که ما بسیاریم مغلوب نگشتیم بسبب این پندار اولا
شکستی بر اهل اسلام واقع شده اهل لشکر فرار نمودند ثانیا چون حضرت عباس رضی الله
عنه آواز داد یا عباد الله یا اصحاب الشجرة هذا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
باواز او گرد آمدند و حمله نمودند و قتل شدید کردند و مدد غیبی از ملائکه در رسید و بشارت
بنزول سکینه یافتند چنانچه میفرماید لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَّ
يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَّضَاقَتْ عَلَيْكُمُ
الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُّدْبِرِينَ بدرستیکه نصرت داد شما را خدای تعالی
در جنگهای بسیار و در روز حنین چون بشگفت آورد شما را بسیاری لشکر شما پس دفع نکرد
از شما آن بسیاری شما چیزی را و تنگ گشت بر شما زمین با وجود وسعت خود پس باز گشتید
در جائیکه پشت دهندگان بودید ثُمَّ أَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى
الْمُؤْمِنِينَ پس نازل کرد خدای تعالی سکینه و آرام خود را بر پیغمبر خود و بر مومنان که به ندای
عباس رضی الله عنه باز گشتند وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا و فرستاد لشکرهای ملائکه که
بچشم ندیدید ایشان را وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا و عذاب کرد کافران را
درین آیت تامل کن که چه زود رحمت حق دستگیر آن بزرگواران شد که گاهی که بمقتضای
بشریت می لغزیدند رحمت الهی شامل حال میگشت و دست آنها می گرفت لیکن

باین قصه تمسک جسته تمام آیت رحمت و مغفرت را درباره آنها فراموش کرده هدف

سطاعن بسازد خود محروم و مطرود گردد وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي

جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ أَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ترجمه ش

از آیات سابق معلوم گردد لَٰكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْمُفْلِحُونَ لیکن پیغمبر و کسانیکه ایمان آوردند همراه وی جهاد کردند بمالها و جانهای

خود و آن گروه برای ایشان ست نیکیها و آن گروه ایشانند فلاح یافتگان أَعَدَّ

اللّٰهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ

الْعَظِيمُ مهیا کرد خدا برای آنها بهشتها الخ وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ

وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا

عَنْهُ و سابقان که اولین اند از مهاجرین و انصار و آنانکه پیروی سابقین کردند

به نیکوی یعنی بایمان و طاعت خشنود گشت خدا از ایشان و خوشنود شدند

ایشان از وی وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ مهیا کرد خدا برای ایشان بهشتها که جاری اند

در زیر درختان یا منازل آن نهرها اینها همیشه باشند در بهشتها این مرتبه بزرگست

آمی برادر این آیت برملا ندامی کند که مهاجرین و انصار سابقین همه بهشتی اند

وپیروان ایشان که بعد از آنها آمدند وطریقهٔ ایشان اختیار کردند نیز بهشتی اند و شک نیست
که خلفای اربعهٔ راشدین از مهاجرین اولین اند خصوصا خلیفهٔ اول که هجرت او و آیت غار
ثابت است کسی که او را از مهاجرین اولین نگوید بسبب آیت غار کافر باشد و درین آیت
اخبار است ببودن آنها در جنت بر سبیل خلود و دوام و کذب و خلف در اخبار الهی محال است
و حق تعالی درین آیت سوای سبقت هجرت هیچ چیز شرط نکرده پس هر که در جناب آنها
سوای جنت و مغفرت چیز دیگر گمان برد مرجوم و مخذول ابدی گردد و نیز ازین آیت
واضح شد که متابعت کنندگان مهاجرین مغفور و بهشتی اند و شک نیست که در وقت
آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم متابعان آنها واقعی اصحاب رسول الله صلی الله علیه
و آله وسلم بودند که بعد آنها ایمان آوردند و هجرت کردند و مانند آنها راه سلوک
گرفتند پس ثابت شد که آنها هم مغفور اند و بعد زمان آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم متابعان
آنها آنکسانند که در حق آنها دعای خیر و مغفرت می کنند و بر طریقهٔ آنها میروند و آنها
اهل سنت و جماعت اند پس واضح گشت که فرقهٔ ناجیه ایشانند نه کسی دیگر که دیگران
طاغیان و منکران آنها اند نه تابعین باحسان پس هر که طریقه و مذهب اهلسنت را
انکار کند و بر باطل داند خود بر باطل و منکر این آیت باشد نعوذ بالله منه بعد ازین
حق تعالی در حق بعضی صحابه که از آنها تقصیری واقع شده بود که از غزوهٔ تبوک
بی عذر پس ماندند و چون آیات تهدید بر تخلف نازل شد خود را با ستون مسجد بستند
و بتقصیر خود معترف گشتند میفرماید وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا

عَمَلًا صَالِحًا وَّآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
و دیگران که اعتراف کردند بگناهان خود بیامیختند عمل نیک را بعمل دیگر بد یعنی از ایشان
هر دو فعل بوقوع آمدند گاهی حسنات وگاهی سیئات امیدست که خدایتعالی توبهٔ ایشان
را بپذیرد بدرستیکه خدایتعالی غفور رحیم ست خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً
تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيْهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ اِنَّ صَلٰوتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ
بگیر ای محمد صلی الله علیه وآله وسلم از مالهای شان صدقه تا پاک گردانی ایشانرا از گناهان
و پاک گردانی یا زیادت گردانی حسنات ایشانرا بدان صدقه و صلوة فرست بر انها
یعنی دعا کن در حق آنها بدرستیکه دعای تو موجب تسکین و آرمست مر ایشانرا وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ
و خدا شنواست دعای ترا عَلِيْمٌ داناست بآنکه این قوم کورین لائق دعای تو اند این آیت
طهارت ست در حق گناهگاران صحابه و سابق آیت وضوست که در ذکر تطهیر گذشت
و منکرین صحابه بآیت انما یرید الله عصمت ثابت میکنند پس بر ایشان لازم شد که این
گناهگاران صحابه را هم معصوم گویند و چون این معنی محال ست پس حق اینست که مراد
از هر سه آیت حفظ و مغفرت و طهارت از ذنوب ست یا زیادتی طهارت ظاهری
در آیت وضو نه عصمت و اگر کسی به آیت انما یرید الله تمسک نموده ازین دو آیت
چشم پوشی کند یا بگمان فاسد خود بلا ضرورت [illegible] تاویل کند شاید خطاب اَفَتُؤْمِنُوْنَ
بِبَعْضِ الْكِتٰبِ وَتَكْفُرُوْنَ بِبَعْضٍ در حق او متوجه میشود یعنی حق تعالی میفرماید
آیا ایمان می آرید ببعض کتاب و انکار میکنید ببعض فَمَا جَزَآءُ مَنْ يَّفْعَلُ ذٰلِكَ

منکم الا خزی فی الحیوة الدنیا ویوم القیمة یردون الی اشد العذاب
پس نیست جزای کسی که کند این فعل از شما مگر رسوائی در دنیا و روز قیامت رد کرده شوند
بسوی سخت ترین عذابی وما الله بغافل عما تعملون ونیست خدایتعالی غافل
از آنچه شما عمل میکنید ای برادر مسلمان باید که از عذاب سخت دوزخ پرهیز دارد
وبتمام قرآن ایمان آورده محبت اہلبیت وصحابه را شیوه خود سازد واگر بیکجانب دوستی
وجانب دیگر کینه دارد در عذاب سخت بحکم این آیت شریف خواهد بود ان الله اشتری
من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة بدرستیکه خدایتعالی
خرید کرد از مومنان جانهای شان و مالهای شان را بعوض آنکه ایشان را بهشت ست
یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون جهاد میکنند در راه خدایتعالی
پس گاهی می کشند و گاهی کشته میشوند وعدا علیه حقا فی التورىة والانجیل
والقرآن وعده داده ست خدایتعالی ایشان را وعده دادنی حق که در وی خلف
نباشد در توریت وانجیل و قرآن ومن اوفی بعهده من الله وکیست وفا کننده تر
بعهد خود از خدا فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به پس شادمان باشید
بخرید و فروخت خود که با خدایتعالی معامله کرده اید وذلک هو الفوز العظیم
واین معامله رستگاری بزرگست پس شرح این جماعت میفرماید التائبون العابدون
الحامدون توبه کنندگان عبادت کنندگان ستایش گویندگان السائحون
روزه داران یا سیر کنندگان بطلب علم الراکعون رکوع کنندگان الساجدون

سجده کنندگان الامرون بالمعروف والناهون عن المنکر فرمایندگان بخوبی ومنع کنندگان از بدی والحافظون لحدود الله ونگاه دارندگان احکام خدا را آمی برآمد این وصف اخیر جامع جمیع صفات جمیله است پس هرکه این کار برابر باطل وناحق شناسد منکر این آیت باشد وبشر المؤمنین وبشارت مومنین را بار بشنو که بچه نوع شمول عنایات ایزدی شده اند میفرماید لقد تاب الله علی النبی بدرستی که پذیرفت خدا تعالی وبقبول توبه بازگشت بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم والمهاجرین والانصار وبر مهاجرین وانصار یعنی بر جمعی که از ایشان کاره بودند برفتن غزوه تبوک بمقتضای بشریت بسبب شدت گرمی وسفر نه بنابر عناد الذین اتبعوه فی ساعة العسرة آن مهاجرین وانصار که پیروی کردند پیغمبر را صلی الله علیه وآله وسلم وهمراه او رفتند در ساعت تنگی یعنی غزوه تبوک واین را جیش عسرت گویند از ان جهت که در آنوقت عسرت عظیم بود بر اهل اسلام هم در سواری وهم در آب وهم در توشه چنانچه در میان ده ده کس یک شتر برای سواری بود وکه بنوبت سوار میشدند ودو کس روزی بیک خرما بسر میرسانیدند وبا وجود قلت مراکب شتر را می کشتند وبر رطوبات اجواف وامعای او دهان خویش را تر میساختند وهوا بغایت گرم بود حق سبحانه وتعالی صفت آنها بدین خصلت میفرماید که بر آن تنگی متابعت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم نمودند من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم از پس آنکه نزدیک بود که از غایت عسرت میل کند وازجا برود دلهای گروهی از ایشان

یعنی کار بدان رسیده بود که گروهی از جهاد باز گردند یا از متابعت آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم دست بردارند بواسطهٔ شدت ومشقت ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ پس
خدایتعالی جل شانه رجوع برحمت کرد بر ایشان اِنَّهٗ بِهِمْ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ
بدرستیکه خدایتعالی با ایشان و درحق ایشان بسیار مهربان و رحمت کننده است یعنی مراد
این غایت کرم و نهایت الطاف ست درباب این بزرگان که توبهٔ آنها را همراه توبهٔ
رسول کریم خود ذکر فرمود چنانچه ایمان آنها را با ایمان آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
در آیت آمن الرسول یاد فرموده وخود فرموده باوجود آنکه نزدیک بود که ایشان
بسبب شدت بلغزند رحمت ما دستگیر ایشان شد چراکه ما برحال ایشان بسیار مهربانیم
وظاهرست که هرکه خدا بروی بسیار مهربان باشد نفاق وکفر را گرد او راه نیست وخلفای
ثلثه رضوان الله علیهم اجمعین رئیس این جماعت مهاجرین وانصار این معرکه اند پس هرکه
درحال یکی هم ازینها گمان فاسد کند مرتد وکافر گردد نعوذ بالله منه و هم درین غزوهٔ تبوک
سه کس از مسلمین بی عذر رفتند که نام آنها کعب و هلال و مراره است رضی الله عنهم
وچون آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم از سفر این غزوه مراجعت فرمود از ایشان
سلام وکلام موقوف فرمود ودیگران را هم از کلام وسلام نهی فرمود آنها بخانهٔ
خود نشسته گریه وزاری بجناب باری عز اسمه بتقدیم رسانیدند رحمت حق دستگیر
ایشان شد وآیت رحمت درشان ایشان آمد وَعَلَى الثَّلٰثَةِ الَّذِيْنَ خُلِّفُوْا
حَتّٰى اِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْاَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ توبه پذیرفت و رجوع برحمت کرد

حق تعالی بر سه تن که پس مانده بودند یا معنی آنست که امر توبه ایشان در تاخیر افتاده بود
تا آنکه چون تنگ گشت بر ایشان زمین با وجود وسعت خود وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ
أَنْفُسُهُمْ و تنگ شد بر ایشان جانهای ایشان وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا
إِلَيْهِ و دانستند آنکه پناهی نیست از خشم خدا مگر هم بوی ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا
پس توفیق توبه داد ایشانرا تا توبه کردند یا معنی آنست تا بر توبه ثابت باشند و بجق باز
گردند إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ بدرستیکه خدا اوست قبول کننده توبه مهربان
بر تائبان ای برادر کسیکه حلاوت ایمان دارد قرآن را هدی للمتقین اعتقاد کند
بالقطع و الیقین بلا تردد حکم خواهد کرد که مهاجرین و انصار تمامهم بهشتی اند و نفاق را
با آنها راه نیست چه این غزوه تبوک مومنین را از منافقین ممتاز ساخت که اکثر منافقان
درین غزوه تخلف نمودند و همراه نه رفتند و بعد مراجعت آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم عذرهای باطل آوردند حق تعالی آنهارا فضیحت و رسوا ساخت چنانچه میفرماید
يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ
لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ عذر خواهند آورد بسوی شما چون رجوع
کنید شما بسوی ایشان از غزوه تبوک بگو ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم که عذرهای
باطل میارید که ما شمارا باور نخواهیم کرد بدرستی که آگاه گردانید مارا خدا تعالی از خبر
شما و چند کس از مومنین که بعذر پس مانده بودند توبه آنها نیز قبول گشت چنانچه سابق
در آیت وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ و عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا

ذکر آنها گذشت ودرین غزوه بعضی از منافقان که همراه بودند ودر وقت مراجعت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم خواستند که جناب پاک او را چشم زخم رسانند ودر وقت شب از ناقه او را از بالای عقبه در نشیب بیندازند جبرئیل علیه السلام آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم را از حال آنها خبر داده آنها را فضیحت ورسوا ساخت ودر صبح آن شب حذیفه بن یمان را رضی الله عنه از نام آنها نشان داده آنها را حاضر گردانید وزجر وتوبیخ نمود ودر حق آنها دعای بد کرد وفرمود اَللّٰهُمَّ ارْمِهِمْ بِالدُّبَیْلَةِ خداوندا رمی کن ایشان را بدبیله ودبیله نام سوزشی ست وبروتین یعنی رگ جان می افتد وانسان از آن می میرد ومرضی دیگر شدید ست چنانچه از کتب طب دریافت میشود واز حدیث صحیح مسلم معلوم میشود که آنها دوازده کس بودند ودر بعضی روایات چهارده ودر بعضی پانزده نیز آمده غرض اینهمه منافقان که بودند اعراب بادیه نشینان بودند یا بعضی از سکان مدینه نه از مهاجرین اولین وانصار سابقین چنانچه میفرماید وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ یعنی بعضی از آنکسان که گرد شما می باشند یعنی گرد مدینه از اعراب وبادیه نشینان منافقان اند وبعضی از اهل مدینه شده اند از نیکی وخو کرده اند بنفاق وحق تعالی در حق منافقین در ضمن ذکر همین غزوه تبوک میفرماید فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ پس اگر توبه کنند منافقان از نفاق خود باشد بهتر مر ایشان را وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ واگر رو گردانند منافقان

از توبه و بر نفاق خود ثابت قدم مانند عذاب کند آنها را حق تعالی در دنیا بفضیحت و قتل
و رسوائی و مانند آن در آخرت بعذاب دوزخ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ
و نباشد مر ایشانرا دوستی و یاری هیچ یعنی در زمین کسی حامی و مددگار شان نباشد این آیت
برملا ندا می کند که خلفای اربعه از مهاجرین اولین اند و نفاق را با آنها راه نیست چه آنها
از اهل مکه اند که هجرت کرده بودند نه اعراب و سکان مدینه و یاری و مددگاری ایشان
در زمین تمامی صحابه کردند و آنها را افضل از جمیع مهاجرین و انصار دانسته هر یکی را در وقت او
امام نمودند و همیشه همراه آنها جهاد کردند و نماز خواندند پس با وجود این قدر تصریحات
قرآنی هر که یکی را هم از اینها نسبت نفاق کند یقینیست که با اینهمه آیات باهرات
منکر باشد مرتد گردد نعوذ بالله و بحث و شرح احوال منافقین در آخر کتاب زیاده از این
مذکور گردد انشاء الله تعالی اکنون چند فضائل این بزرگان که درین غزوهٔ تبوک نصیب ایشان
شد ثبت نمود اما صدیق اکبر رضی الله عنه آنچه در خانهٔ خود داشت تمام و کمال آورده حضور
آنحضرت نهاد و خود نیز بدولت رفاقت ممتاز شد و فاروق اعظم نیمهٔ آنچه داشت
آورده شرف رکاب آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم حاصل نمود و ذی النورین جامع
حسنات دارین نهصد شتر و یکصد اسپ و ده هزار درم درین غزوه انفاق بر اهل لشکر
نمود و خود هم بکام سعادت حاضر آمد اسد الله الغالب علی بن ابی طالب که عاشق خونریزی
دشمنان دین بود و جهاد فی سبیل الله دوست او نیز عزم همراه رفتن کرد اما چون آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم او را در مدینه برای خبرداری عیال و اطفال گذاشت وی بحکم الامر

فوق الادب برکات همایون نه پیوست وکسانیکه در غزوه انفاق اموال خود نموده بودند
وگرسنگی وتشنگی کشیده همراه رفته بودند بآیات باهرات خدایتعالی سرفراز شدند چنانچه
میفرماید ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَاٌ وَّلَا نَصَبٌ وَّلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
وَلَا يَطَـُٔونَ مَوْطِئًا يَّغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا اِلَّا كُتِبَ
لَهُمْ بِهٖ عَمَلٌ صَالِحٌ ط اِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً
صَغِيرَةً وَّلَا كَبِيرَةً وَّلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا اِلَّا كُتِبَ لَهُمْ آیت حاصل معنی این
آنست که هرکه در راه خدا تشنگی وگرسنگی ورنج کشد وراهی رود که کفار را ناخوش کند
واز دست وی بدشمن مصیبت رسد ثوابهای اینهمه اعمال در نامهٔ او نوشته شوند
واجر آنها ضائع نگردد وهرکه در راه خدا انفاق کند اندک یا بسیار ووادی قطع کند
یعنی براه رود برای جهاد این همه امور نوشته شوند وآنها جزامی یابند غرض که نیت
این همه اکابر بلکه جمیع انصار ومهاجرین اعلاء کلمة الله وغلبهٔ لا اله الا الله محمد رسول الله
بود وخدایتعالی آنها را برای همین پیدا کرده بود ومدت العمر در همین حالت بودند رضی الله
عنهم اجمعین چنانچه قوله تعالی وَيَنْصُرُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهٗ يَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ اَلَّذِينَ اِنْ مَّكَّنّٰهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ
وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ وَاَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ شاهد این مقالست
پس کسیکه در حق آنها سوای این حسنات چیز دیگر گمان کند خود محروم السعادت گردد
ومنکر اینهمه آیات قرآنی نعوذ بالله باشد وکه چه میفرماید وَالَّذِينَ هَاجَرُوا

رکوع ششم سورة حج
سیپاره اقترب للناس

فِي اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوْا وکسانیکه هجرت کردند در گزاردن حق خدا تعالی و برای
رضای او بعد از آنکه کفار مکه بر ایشان ظلم کردند لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
هر آینه جا دهیم ایشان را در دنیا بشهر نیکو یعنی مدینه مطهره علی ساکنها افضل التحیة والتسلیمات
وَلَاَجْرُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ و هر آینه ثواب آخرت بزرگتر است درین آیت حق تعالی مهاجرین
را دو وعده فرموده یکی در دنیا و دوم در آخرت و شک نیست که وعده دنیا بوفا رسید
و مهاجرین در مدینه جا گرفتند خصوصاً خلفای ثلثه رضی الله عنهم که مدت العمر در مدینه منوره
ماندند و بعد وفات هم همانجا مدفون گشتند جناب شیخین رضی الله عنهما بمرقد منور رسالتمآب
صلی الله علیه و آله وسلم پیوستند و عثمان رضی الله عنه در بقیع متصل روضه امام حسن علیه الصلوٰة
مدفون گشت و حق تعالی وعده دوم را هم بوفا خواهد رسانید پس هر که وعده دوم را
در حق آنها انکار کند منکر آیت باشد و کافر گردد نعوذ بالله منه اِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِيْنَ
هَاجَرُوْا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوْا بدرستیکه پروردگار تو مر آنان را که هجرت کردند بسوی
مدینه از پس آنکه عذاب کشیده بودند از دست کفار ثُمَّ جَاهَدُوْا وَصَبَرُوْا پس
جهاد کردند و صبر نمودند اِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ بدرستیکه پروردگار تو
بعد از هجرت و جهاد و صبر هر آینه آمرزنده است گناهان ایشان را مهربان بر ایشان وَاصْبِرْ
نَفْسَكَ مَعَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَدٰوةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيْدُوْنَ وَجْهَهٗ
وَلَا تَعْدُ عَيْنٰكَ عَنْهُمْ تُرِيْدُ زِيْنَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا باز دار تن خود را و شکیبائی
کن با آنانکه میپرستند پروردگار خود را بامداد و شبانگاه میخواهند رضای او را و باید

ایضاً

ایضاً

که در نگذرد چشمهای تو از ایشان یعنی در صحبت درویشان صحابه باش و گوشهٔ چشم مبارک

خود دائما با ایشان دار اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اِنَّا لَا نُضِیْعُ

اَجْرَ مَنْ اَحْسَنَ عَمَلًا بدرستیکه کسانیکه ایمان آورده اند و عملهای پسندیده

کرده اند بتحقیق ما ضائع نگردانیم ثواب کسیکه نیک عمل کند اُولٰٓئِکَ لَهُمْ جَنّٰتُ

عَدْنٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ ترجمه اش ظاهرست یُحَلَّوْنَ فِیْهَا

مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ پیرایه داده شوند در بهشتها از دستوانهای زر وَ

یَلْبَسُوْنَ ثِیَابًا خُضْرًا مِّنْ سُنْدُسٍ وَّاِسْتَبْرَقٍ بپوشند جامهای سبز از دیبای

نازک و دیبای سطبر مُتَّکِـِٕیْنَ فِیْهَا عَلَی الْاَرَآئِکِ تکیه دهندگان باشند در بهشت

بر تختها کفار مکه بمسلمین ایذا بمرتبهٔ کمال میرسانیدند و ایشان آمده شکایت بجناب

رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم مینمودند آنحضرت میفرمودند صبر کنید که

من مامور بقتال نیستم چون هجرت مدینه واقع شد اذن بقتال در رسید و اول

آیتی که دران باب نازل شد این بود اُذِنَ لِلَّذِیْنَ یُقٰتَلُوْنَ بِاَنَّهُمْ ظُلِمُوْا

دستوری و اذن داده شد بکارزار کردن مر آنان را که میخواهند کارزار کردن را

یعنی صحابه را بسبب آنکه ظلم کرده شده اند ایشان از دست کفار اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی

نَصْرِهِمْ لَقَدِیْرٌ بدرستیکه خدا بر یاری کردن آن مظلومان که اصحاب پیغمبر اند

صلی الله علیه و آله وسلم هر آینه قادرست اَلَّذِیْنَ اُخْرِجُوْا مِنْ دِیَارِهِمْ بِغَیْرِ

حَقٍّ اِلَّا اَنْ یَّقُوْلُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ آن مظلومان که بیرون کرده شده اند از سرای

ایضا

ایضا

ایضا

ایضا

ایضا

ایضا

شان [illegible] که می گفتند که پروردگار ما الله است یعنی هیچ تقصیری [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] دیگر بعضی از آن [illegible] ها بهای شان بیرون کرده شود [illegible] لفظ بسبب ایمان و توحید
بیرون کرده شده اند ازین لفظ بر این می شود زبان کسی که گمان برد که ابوبکر برای طلب [illegible]
ریاست بقول [illegible] اسلام آورده بود و برای همین هجرت کرده بود دیگر خلفا و اکثر مهاجرین
هجرت برای دنیا کرده بودند هر که ایمان بقرآن داشته باشد چگونه با وجود این [illegible]
این شبهات واهیه را بخاطر راه دهد وَلَوْلَا دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ
لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللّٰهِ
كَثِيرًا واگر نبودی دفع کردن خدا مردمان بعض را ببعضی یعنی بغلبهٔ مومنان بر کافران
هر آینه ویران کرده شدی بغلبهٔ کافران صومعهای راهبان و کلیسهای ترسایان و کنشتهای
جهودان یعنی در وقتی که شریعت آنها منسوخ نشده بود و مسجدهای مسلمانان که یاد
کرده میشود در اینها نام خدا بسیار یعنی اگر اهل اسلام بر اهل کفر غالب نباشند خانهای
عبادت خراب گردد پس حکمت الهی همین تقاضا کرد که اهل اسلام را دستوری قتال داده
شود ازین لفظ تو [illegible] کسیکه میگوید مهاجرین که فی سبیل الله بودند اندک بودند.
دیگران برای اغراض دنیوی هجرت کرده بودند باطل میشود چه هر که عقل و هوش دارد
نخواهد گفت که دستوری قتال بچندکس از هجرت کنندگان داده بودند و این توهم هم
منافی حکمت الهی است که غلبهٔ مومنان منظور است و ظاهر است که هرچند کثرت
مجاهدین باشد غلبه بوجه اتم بظهور آید همچنین واقع گشت که در هر معرکه همیشه اهل اسلام

زیاده بشدند چنانچه در روز بدر سه صد و چند کس بودند و علی هذا القیاس چنانچه
حق تعالی قوت مهاجرین را که بعد ضعف حاصل شده بیان کرده و ذکر آنها است نهاده بفرمود
اِذْ اَنْتُمْ قَلِيْلٌ مُّسْتَضْعَفُوْنَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُوْنَ اَنْ يَّتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ
فَاٰوٰىكُمْ وَاَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهٖ و یاد کنید ای مهاجران چون بودید شما اندک ضعیف
و بیچاره در زمین که خوف میکردید که بربایند و نیست و نابود سازند شما را مردمان
یعنی کفار پس جا داد شما را و قوت داد شما را بیاری دادن خود وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ و روزی داد شما را از حلالها یا لذیذها تا شکر گوئید و شک نیست
که حق سبحانه و تعالی در مدینه تمام مهاجرین را جا داده و همه را روزی طیبات عنایت
فرمود و همه را نصرت و قوت داد پس اگر جمیع هجرت کنندگان ناصران دین خدا و یاری
کنندگان رسول او نمی بودند و هجرت آنها برای خدا نبودی حق تعالی با آنها ذکر این همه
رحمت و احسان نفرمودی و از آنها شکر این نعمت نخواستی و نصرت آنها نکردی چنانچه
میفرماید وَلَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَّنْصُرُهٗ والبته یاری خواهد داد خدا کسی را که دین او را
یا رسول او را یاری دهد پس با وجود این تصریحات قرآنی هر که یکی را از مهاجرین طعن کند
یا گوید که هجرت آنها برای خدا نبود یا گوید که آنها ناصران رسول او نبودند بیشک و بی شبهه
مطرود ابدی گردد آیه عزیز حق تعالی درین آیت وعده داد مهاجرین را که آنها را
نصرت خواهیم داد و خلاف وعده الهی محال است و حق تعالی بر همه چیز از نصرت
دوستان و نکبت دشمنان خود قادر است چنانچه میفرماید اِنَّ اللّٰهَ لَقَوِيٌّ عَزِيْزٌ

ایضاً

ایضاً

بدرستیکه خدا ای آینه توانا هست بر نصرت مومنان غالب ست بر همه کس و همه چیز هر گرا
خواهد غلبه دهد موافق وعدهٔ خود همچنین ظهور آورده و بوقار رسانید که روز بروز اصحاب
رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم زیاده میشدند و بر کفار غالب می آمدند چنانچه
روز فتح مکه انبوه کثیر بهم رسیده و سرشار شده در حجة الوداع اینقدر کثرت پدیدار
گشت که بهر سو که نگاه میکردند سوای ایشان بنظر نمی آمد بعد وفات
سید عالم صلی الله علیه وآله وسلم مهاجرین اولین یعنی خلفای راشدین را اینهمه قوت
و نصرت داد که تمام کفار عرب را و مرتدان اعراب و یهود و نصاری شام و روم را منهزم کردند
و بکشتند یا اسیر کردند و جزیه نهادند و خزائن کسری و قیصر را بر مسلمانان تقسیم نمودند
و مراسم عبودیت و امر معروف و نهی منکر بوجهی که شاید هم در حضور آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم و هم بعد وفات او در ایام خلافت و اقتدار خود بجا آوردند چنانچه خدا
میفرماید اَلَّذِيْنَ اِنْ مَّكَّنّٰهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ
مهاجرین آنانند یعنی صفت و حال مهاجرین اینست که اگر قدرت و تمکین دهیم ایشان را
در زمین برپا دارند نماز را و بدهند زکوة را وَاَمَرُوْا بِالْمَعْرُوْفِ وَنَهَوْا
عَنِ الْمُنْكَرِ و امر کنند مهاجرین دیگران را بخوبی و نیکوئی و منع کنند دیگران را
از زشتی و خلاف شریعت یعنی از مهاجرین در وقت اقتدار هر دو فعل بوقوع آمد
هم کمال نفس خود و تصفیهٔ آن با نواع عبادات مالی و بدنی و هم تکمیل دیگران بادای
امر معروف و نهی منکر آری بیادر هر که ایمان بخدا و رسول او دارد و قرآن را هدی للمتقین

اعتقاد کنند از آیات مذکوره بوجه احسن دریافت خواهد کرد که ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله
عنهم بیشک از مهاجرین اولین اند و نفاق را با آنها راهی نیست چه سابق در ذکر منافقان
گذشت وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ یعنی منافقان را کسی در زمین
یاری نکند و درین آیت در ذکر مهاجرین فرموده وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ
والبته یاری کند خدا کسی را که دین او را یاری دهد و شک نیست که یاری آنها تمام صحابه
از مهاجرین و انصار نمودند و همه آنها آن بزرگان را از خود افضل دانسته خلیفه و امام ساختند
و همیشه نماز و جهاد همراه آنها کردند و اگر آنها منافق بودندی کسی دست آنها هم
نمیگرفت چه جای امامت و خلافت پس ثابت شد که خلافت آنها حق است
و ثابت شد که آنچه آنها در وقت تمکنت و خلافت خود بجا آوردند حق و درست است و از
ارباب امر معروف و نهی منکر است نه ظلم و فساد چنانچه قوله تعالی اَلَّذِيْنَ اِنْ مَّكَّنّٰهُمْ
تا آخر شاهد آنست پس آنچه منکرین حق آنها قصه های طویل و عریض بطریق طعن و تشنیع
روایت کنند کفر صریح و انکار این همه آیات قرآنیست و نیز ظاهر است که آنچه شیعیان
گویند که علی مرتضی رضی الله عنه بعد وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوی خلافت
نمودند و خانه بخانه مهاجرین و انصار میگشتند و حجت برانها قائم میکردند که آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم مرا خلیفه کرده اند کسی از انها یاری او قبول ننمود کذب حلی
و کفر صریح و انکار این آیت است چرا که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه رئیس مهاجرین
اولین اند و خدا تعالی آنها را وعدهٔ نصرت کرده نه وعدهٔ خذلان و رسوائی

زهی کور باطنی و حماقت منکرین که دعوی محبت حضرت علی کنند و آنچه خدا وعده خدا
در حق منافقان کرده بود این ناحق‌شناسان حق او خوانند و گویند وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ
مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ آری برادر هر گاه دین و عقل باشد بروی کالشمس فی نصف النهار
واضح و لائح خواهد بود که در حقیقت این مفتریان و تمام بانیان مذهب ایشان منکرین
قرآن و دشمنان اهلبیت اند و تمام کتب این قوم مشحون و مملو بکفریات و واهیات اند
نه ایشان به اطیعوا الله کار دارند نه به رسول او و نه با اولی الامر بلکه بنای مذهب باطل
ایشان باغوای یهود نا بهبود است که اول رئیس ایشان عبد الله بن سبا یهودی بنای
رفض نهاده بود و تقیه و کذب و خوف و ذلت که درین مذهب است از یهود با ایشان میراث
رسیده حق تعالی در حق یهود میفرماید وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَ
بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ و زده شد و مقرر نموده شد بر یهود خواری و مسکنت
و رجوع کردند بغضب از طرف خدا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ (ایضا)
این ذلت و خواری بر یهود بسبب آنست که ایشان بودند که کفر میکردند بآیتهای
خدا آری برادر آنچه یهود نا بهبود آیات نعت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را
که در توریت بودند می پوشیدند جهال و عوام خود بر خلاف اوصاف حمیده آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم بشمائل و قبائح دجال معاذ الله آنسرور را موصوف میساختند
و باین سبب ملعون ابدی شدند و بانیان این فرقه اوصاف حمیده صحابه را
از توبه و تقوی و حق پرستی و جهاد فی سبیل الله که در قرآن مذکور اند پوشیده و نیز

جهال خود آن بزرگان را بصفات منافقین ظاهر کردند گاهی گفتند که علی مرتضی تقیه کرده
در ظاهر بدروغ چیزها می گفت و در باطن خلاف آن مضمر میداشت و این در صفت منافقان
در قرآن آمده وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا چون ملاقات کنند منافقان
به مومنان گویند ما ایمان داریم وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ
وچون خلوت کنند بشیاطین خود گویند بدرستیکه ما باشمائیم اگر اینها محب علی مرتضی
می بودند در وصف او میخواندند يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ
لَائِمٍ یعنی او شان جهاد می کنند در راه خدا و نمی ترسند از ملامت کسیکه ملامت کننده
وگاهی گفتند که مر مرتضی را کسی یاری نکرد معاذ الله او را اسیر کرده برای بیعت خلافت
بردند وخانه او را سوختند و بر تو واضح گشت ای منصف که این در وصف منافقان
در قرآن مذکور گشته وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ اگر ایشان محب
وفدوی آنجناب بودندی در حق او میخواندند وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وگاهی
گفتند که مهاجرین بعد آنحضرت باتفاق بر باطل کردند حق او از مستحق آن غصب کردند
وامر بمنکر ونهی از معروف نمودند واحکام سنت را تغییر دادند واین در وصف منافقان
در قرآن آمده الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ یعنی منافقان آنانکه امر بمنکر ونهی از معروف نمایند اگر
اینها ایمان بقرآن میداشتند در حق اینها الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ
أَقَامُوا الصَّلَاةَ می خواندند وبرهمین نمط دیگر اقوال واهیات ایشان را قیاس باید کرد

ایضاً

کرد که هرچه گویند خلاف قرآن باشد اینست حال ایشان بکتاب الله و اهل بیت
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ای عزیز اینهمه گفت وگو برای خیرخواهی ابنای
ست که بگفت وگوی فریب دام گرفتار افتد باید که این کلام را حمل بر کذب و تعصب
نکنی بلکه انصاف داده ایمان خود بقرآن استوار کنی وگرنه هلاک گشتی وَمَا عَلَيْنَا
إِلَّا الْبَلَاغُ وَالْهَادِي هُوَ اللهُ إِلَى الصَّوَابِ باز بشنو که رحمت الهی چسان
منعقد حال آن بزرگان می شود وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللهِ ثُمَّ قُتِلُوا
أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللهُ رِزْقًا حَسَنًا آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند
یا بمردند هر آینه روزی دهد خدا ایشان را روزی نیکو که نعیم بهشت ست وَإِنَّ اللهَ
لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ و بدرستیکه خدا هر آینه اوست بهترین روزی دهندگان
لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ هر آینه در آرد ایشانرا خدا در بهشت در آوردنی
که ایشان پسند کنند یعنی ملائکه باستقبال شان آیند و ایشان را بتعظیم تمام در بهشت
در آرند ای مومن بنگر که عنایت ایزدی چه رفیق شفیق این بزرگان ست خواه ایشان
کشته شوند و خواه در خانه بمیرند بلا شبهه به بهشت بکرامت در آیند پس هرکه در حال
یکی هم از ایشان سوای جنت چیز دیگر گمان کند کافر گردد هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا
جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ او که خداوند ست برگزید شما را و نگردانید
بر شما در دین هیچ تنگی مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ و پیروی کنید دین پدر خود را
که ابراهیم ست هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا او نام نهاد شما را مسلمان

بعض از قرآن و درین قرآن نیز لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیدًا عَلَیْکُمْ وَتَکُونُوا
شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ تا باشد پیغمبر گواه بر صدق شمار و ز قیامت و باشید شما
گوایان بر منکران نبوت برسانیدن انبیا پیغام حق را بآنها فَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ
وَآتُوا الزَّکَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ پس بپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و چنگ زنید
بفضل خدا یا بکتاب خدا هُوَ مَوْلَاکُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِیرُ اوست
یار و متولی کار و بار شما پس نیکو مولی ست و نیکو یاری دهنده. قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ
الَّذِینَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ بدرستیکه رستگار شدند و بمطلوب رسیدند
مومنان آنانکه در نماز خود ترسندگانند وَالَّذِینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ
و آنانکه ایشان از سخن باطل و بیهوده و کردار ناشایسته روگردانند وَالَّذِینَ هُمْ
لِلزَّکَاةِ فَاعِلُونَ و آنانکه ایشان زکوة را ادا کنندگان اند وَالَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ
حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ
و آنانکه ایشان مر فرجهای خود را نگاهدارندگان اند مگر بر زنان خود یا کنیزان خود
پس بدرستی که ایشان بملامت کرده شده نیستند فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِکَ فَأُولَئِکَ
هُمُ الْعَادُونَ پس هر که طلب کند سوای زوجه یا مملوکه خود پس آن گروه تجاوز کننده اند
از حلال بحرام یعنی صحبت و مباشرت حرام است سوای زوجه شخص یا کنیزک او که این
هر دو زن حلال اند پس این آیت نص قطعی ست بر حرام بودن متعه چه زنی که بمتعه
خواسته نه مملوکه است و نه داخل ازواج چرا که احکام زوجیه از طلاق و نفقه و کسوت

ایضاً
ایضاً
ایضاً
رکوع اول سیپاره قد افلح
ایضاً
ایضاً
ایضاً
ایضاً

لسبوت وحدت وغیره دران مفقود ست ونیز توارث دران نزد قائلین به اباحت
جاری نیست حالانکه توارث الزوجین از قرآن ثابت ست قال الله تعالی
وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ تا آخر وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ تا آخر پس
از حلال دانستن متعه انکار این آیت لازم می آید ای برادر این قوم با وجودیکه
در حلال دانستن متعه منکر این آیت اند نظر بگریبان خود نمیکنند واهل سنت وجماعت
وصحابه را بسبب حرام دانستن متعه طعن وتشنیع میکنند وخود برانیقد ظلم وتعدی از
حدود حق اکتفا نکرده برزنان چهارم می افزایند ومیگویند که اگر کسی کنیزک خود را بجای
خود بعاریت دهد واجازت بوسه دهد سوای بوسه نباید گرفت واگر اجازت
مباشرت دهد بوس وکنار همه حلال ست ودرین باب بهتان بر ائمه طاهرین
علیهم السلام بسته در کتب خود روایات بیشمار می آرند چنانچه در نهایه فقه که
تصنیف ابوجعفر طوسی ست برای مسئله دیوثی نوشته وهمچنین در دیگر کتب اینقوم
این خرافات موجود ست پس ایشان ابتغاء وراء ذلک کردند وتعدی از حدود خدا
نمودند وقال الله تعالی وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الظَّالِمُونَ وهرکه تجاوز کند از حدود خدا پس آنگروه ایشان اند ظالمان
اهل سنت که عمل بقرآن کردند آنها موصوفین اند بصفاتی که درین آیت خواندیم
والحمد لله آمدیم بمقصود وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ
وآنانکه امانات خود وعهد خود را رعایت کنندگان اند وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ

سیپاره ۴ سوره نساء
سیپاره ۵ سوره نساء
سیپاره ۵ سوره نساء
سیپاره ۲ سوره بقره
سیپاره ۱۸ سوره مومنون
ایضا

ایضاً

مُحَافِظُونَ و آنانکه ایشان بنمازهای خود محافظت کنندگان اند اُولٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ آنگروه ایشانند وارثان که وارث شوند فردوس را که درجات بهشت ست ایشان دران درجات همیشه باشند حق تعالی در سورهٔ نور در پاکدامنی حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها وطهارت او از تهمتی که منافقان بجناب او کرده بودند دو رکوع نازل فرموده و دران زجر بلیغ نموده میفرماید يَعِظُكُمُ اللهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ پند میدهد و نهی میفرماید شما را خدای تعالی ازانکه عود کنید بمثل این بهتان بر سبیل دوام اگر هستید شما از اهل ایمان یعنی اگر شما ایمان دارید باز بهمت و افترا بجناب عایشه مبندید ازین آیت معلوم میشود که هرکه بجناب پاک صدیقه نسبت کفر یا ضلالت کند مومن نیست و ختم این قصه باین آیت فرمود اُولٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ آن گروه یعنی جناب پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و عایشه صدیقه و صفوان پاک و مبرا اند ازانچه میگویند منافقان و این قسم کلمات خبیثه لائق حال ایشان نیست لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ برای ایشان مغفرت ست و روزی نیکو که نعیم بهشت ست این آیت نص قطعی ست در بهشتی بودن حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها که حق تعالی در حق حرم محترم پیغمبر خود چنین فرموده و جای دیگر فرماید وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ یعنی زنان پیغمبر مادران مومنان اند و تعجب از کسانیکه دعوی ایمان کنند و بجای تعظیم مادران تکفیر شان نمایند حاشا اگر ایشان مومن می بودند بوعظ الهی

عمل کرده گردد مثل این بهتان بلکه بدتر از آن نمی گشتند لیکن ایشان را با ایمان چه کار
تا آنکه حقتعالی بفضل خود ایمان بعث آن نصیب شان فرماید آنگاه تنظیم مادران بجای آخر
ولیس الهادی الی الصعاب الا رب الارباب چون مهاجرین در منازل
انصار جا گرفتند قریش و اکثر قبائل عرب بمحاربت ایشان اتفاق نموده شب و روز
پیغامهای تهدید آمیز و سخنان فتنه انگیز می فرستادند مهاجران از آن وقت
سلاح با خود میداشتند و روزگار بهول و هراس میگذرانیدند روزی با یکدیگر
گفتند آیا زمانی بر ما در آید که خود ما را مطمئن و ایمن بینیم و بفراغت خاطر بنشینیم
حق تعالی آیت فرستاد و وعده سوگند داد و فرمود وعد الله الذین آمنوا
منکم وعملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف
الذین من قبلهم وعده داد خدا تعالی کسانی را که ایمان آوردند از شما
و کارهای نیکو کردند هر آینه خلیفه گرداند و خلافت دهد ایشان را در زمین کفار
از عرب و عجم همچنانکه خلیفه گردانیده بود آنکسان را که پیش از ایشان بودند یعنی
بنی اسرائیل که زمین مصر و شام بدیشان داد تا تصرف دران کردند ولیمکنن ایضاً
لهم دینهم الذی ارتضی لهم و البته تمکین دهد و با قوت سازد برای ایشان
دین ایشان را آن دینی که پسند کرده است حقتعالی برای ایشان یعنی دین اسلام را در وقت ایشان
غالب گرداند ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا و هر آینه بدل ایضاً
گرداند ایشان را بعد خوف ایشان امن را یعنی در وقت خلافت ایشان خوف

ایضاً

ایشان برود وایمنی دست دهد يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا
پرستش کنند مراد در زمان خلافت خود شریک نگردانند با من چیزی را ای محمد در
تصریحات این آیت تامل کن که حق سبحانه بمهاجرین وعدهٔ خلافت داد و خبر داد که
در وقت خلافت ایشان اسلام غالب آید و خوف زائل گردد و خلفا باوجود کارهای
خلافت مراسم عبودیت بوجه احسن بلا شائبهٔ شرک بجا آرند پس این آیت دلیل اعجاز
قرآنست که هرچه در وی مذکور شده بود بظهور آمد حق سبحانه بعد وفات آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم خلفای اربعهٔ راشدین را بمسند خلافت نشانید و وعدهٔ
خود راست فرمود چنانچه از دست این بزرگان هزارها مرتدین و کفار کشته شدند
واسلام بجای خود قرار یافت و هزارها مسجد بنا کرده شدند و معبد کفار و بتخانه
خراب گردیدند و عبادت خدا از ان بزرگان بوجه احسن بظهور آمد و آنچه حق تعالی
در آیت تمکین مهاجرین خبر داده بود اقامت صلوٰة و ادای زکوٰة و امر معروف
ونهی منکر از دست ایشان واقع گردید پس این آیت نص قاطع ست در حقیت
خلافت ایشان و در آنکه ایشان در ایام خلافت سوای حق پرستی و امر معروف
چیزی دیگر نکرده اند پس هر که در حق آنها سوای امر معروف و حق پرستی چیز دیگر گمان
برد بآیات قرآنی منکر باشد و کافر گردد نعوذ بالله منه و آنکه بعضی حمقا گمان کنند
که این وعده در زمان امام مهدی علیه السلام بظهور خواهد پیوست جهالت ظاهر
و بطالت باهر ست و هیچ دلیلی بر معنی نیست بلکه کلمهٔ منکم در آیت شریفه که خطاب

خطاب بحاضرین زمان آنحضرت ست رد میکند این خیال فاسد را ونیز لفظ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ
در آیت تمکین مهاجرین گذشت دلالت ظاهرست برانکه مراد تمکین واستخلاف مهاجرینست
چه ظاهر آنست که مآل هر دو آیت یکی باشد ونیز اگر مهاجرین از دست کفار ایذا ورنج کشند
وجهاد کنند وخان ومان خود گذاشته جلای وطن شوند باینها گفته شود که بعد از هزار سال
یا دوازده صد سال یکی را از اولاد شما هفت یا هشت سال خلافت در زمین خواهند داد
چه جای تسلی آنهاست کسی احمق هم تجویز نکند چه جای کسی که خود را از اهل علم شمرد ونیز در آیت
مذکوره ضمائر جمع وارد شده اند چنانچه لفظ الذین آمنوا ولفظ هم در چند موضع ولفظ یعبدون
ولفظ لا یشرکون این همه الفاظ جمع دلالت دارند برانکه مراد آنست که خلافت به جماعتی
را از ایشان پس ظاهر شد که آن گمان آنها محض اتباع هوست نه معانی قرآن عجب قومی که دعوی
ایمان بقرآن کنند وجابجا قرآن را تحریف نمایند وخواهند که همه نصوص موافق هوای ایشان
گردد حاشا ثم حاشا این چه طور صورت بندد بلکه حق تعالی موافق حکمت خود امر مغیبه باید
نه بنا بر خاطر داری واتباع کسی چنانچه فرموده وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ
السَّمٰوٰتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ واگر متابعت وپیروی کردی خدا آرزوی باطله
کفار را هر آینه تباه وفاسد شدی آسمانها وزمین وهرچه در آنهاست بَلْ أَتَيْنَاهُمْ
بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ بلکه آوردیم بدیشان کتابی
بوعظ ایشان یا شرف ایشان پس ایشان از موعظت خود رو گردانند ای عزیز تامل
درین آیت کن وبه معنی قرآن خودپرستی مکن بلکه هوای نفس خود را تابع قرآن دار بهرحال

فرماید بجا آرد و تفسیر آن و تاویل آن بوجهی نماید که یک آیت دیگر منافی و مخالف نشود و الا
خوف کفرست نعوذ بالله منه آمدیم بمقصود باز بشنو که حقتعالی بعد ذکر استخلاف صحابه
میفرماید وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ و هر که کفران
ورزد درین نعمت بعد راست شدن وعده حق پس آن گروه کافران نعمت ایشانند
کامل در فسق در لفظ من کفر اشارتست به آنکه خلافت این بزرگان نعمتی ست عظیم بر
اهل اسلام که شکر آن بر کافه انام واجبست و کدام نعمت بالاتر ازین باشد که دیار کسری
و قیصر برهم زنند و خزائن آنها در مسلمانان قسمت نمایند و امر معروف و نهی منکر بجا آرند
و بانگ اَشْهَدُ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ
سر بفلک کشد و کفار بغیظ و حسد بمیرند وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی نَعْمَائِهٖ و اول کسیکه کفران این نعمت
کرده در زمره فاسقین داخل شد قاتلان امیر المومنین عثمان بن عفان علیه الرضوان
بودند بعد ازان خروج گروه مفسدان بنی امیه که هتک حرمت اهل بیت رسالت صلی الله
علیه و آله وسلم نمودند و درباره حضرت سید الشهدا امام حسین سید مظلوم علیه السلام
هرچه نباید بعمل آوردند بعد ازان فرقه ضاله منکرین که خلافت آن اکابر را علیرغم آنچه
در آیات قرآنی ذکر یافته جعل کردند و از قرآن بالکلیه دست بر داشتند چنانچه سابق واضح
کردیم و مستحق خطاب لَئِنْ كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِيْ لَشَدِيْدٌ گشتند والحمد لله والمنة
که اهل سنت و جماعت با این همه بزرگان چه اهل بیت و چه صحابه حسن عقیدت داشته
آنچه در نصوص قرآنی اوصاف حمیده آنها ورود یافته اند ذکر میکنند و شب و روز

روز دعای مغفرت در حق آنها میخوانند اُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ جمعی از یهود مکه کفار قریش و دیگر کفار عرب را برای جنگ آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم آماده کرده قریب ده هزار کس جمع شده عازم مدینه شدند خبر بحضرت رسالت صلی الله علیه و آله وسلم رسید آنحضرت با سه هزار کس از مدینهٔ منوره نهضت فرموده لشکر همایون در پیش کوه سلع مقرر فرمودند و در بعضی روایات آمده که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم پیش از آمدن لشکر کفار بصحابه خبر داده فرموده بودند که با جماع ایشان کار با شما سخت گردد و عاقبت شما را بود پس چون افواج کفار در رسیدند و مومنان دیدند ایمان ایشان زیاده شد و هیچ تردد بخاطر نیاوردند حق تعالی ازین حال خبر میدهد

ایضاً وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ هرگاه که دیدند مومنان گروههای کفار را گفتند این آنست که وعده کرده بود ما را خدا و رسول او و راست گفته است خدا و رسول او

ایضاً وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا و زیاده نکرد مومنان را دیدن احزاب مگر ایمان و گردن نهادن بفرمان الهی و رسالت پناهی جمعی از صحابه نذر کرده بودند که در لشکر بقسمی جنگ کنند که شربت شهادت چشند حق تعالی خبر میدهد

ایضاً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ یعنی از مومنان مردانند که راست کردند آن چیز را که عهد بستند با خدا برانچیز فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ پس بعضی از ایشان کسی است که وفا کرد عهد خود را و بعضی از ایشان منتظر اند

بعضی شهید شدند و بعضی منتظر شهادت نشسته اند و بر عهد خود قائم و ثابت وَمَا
بَدَّلُوا تَبْدِيلًا و بدل نکردند بدل کردنی یعنی شیوهٔ ایشان وفاست بعهد نه دغا

ایضاً

حق تعالی در سورهٔ احزاب خطاب بزنان آنسرور صلی الله علیه وآله وسلم نموده بعضی
احکام ارشاد فرموده میفرماید وَأَقِمْنَ الصَّلٰوةَ وَآتِينَ الزَّكٰوةَ وَأَطِعْنَ اللهَ
وَرَسُولَهُ و برپا دارید ای زنان پیغمبر نماز را و بدهید زکوٰة را و طاعت کنید فرمان
خدا و رسول او را إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا جز این نیست که اراده می کند خدا تا ببرد از شما پلیدی گناهان
ای اهل بیت پیغمبر و پاک کند شما را پاک کردنی وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلٰى فِي بُيُوتِكُنَّ
مِنْ آيَاتِ اللهِ وَالْحِكْمَةِ و یاد کنید ای زنان پیغمبر آنچه تلاوت کرده می شود
بر شما از آیات خدا و حکمت این آیت تطهیرست در حق ازواج پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم که تمام این رکوع در قصهٔ ایشان منسوق میرود و تذکیر ضمیر عنکم برای تغلیبست چراکه ذات
پاک آنسرور صلی الله علیه وآله وسلم در اینها یعنی در اهلبیت داخل ست و منکرین که در حق
ازواج طاهرات سوء ظن دارند و در هر جا در معنی نصوص تحریف کردن و اتباع هوای خود
شیوهٔ ایشانست میگویند که این آیت به چهار تن که در زیر گلیم آمده بودند مخصوص ست
و ازواج را حصه از طهارت نیست اینقدر نمی فهمند که معنی لفظ اهل بیت چیست و
اصل استعمال او در ازواج ست و بر دیگران بتبعیت می آید و سابق در آیت
وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ گذشت که مراد از اهل آنجا عایشه است و اینقدر

ایضاً

ایضاً

اینقدر نمی فهمند که قصه کدام کسان هست که تمام رکوع در ذکر نسا در رود یافته و اینقدر
نمی فهمند که اِنَّمَا یُرِیْدُ اللّٰهُ تا آخر آیت براسه نیست بلکه یک قطعه آیت ست و آیت
تمام آنجاست وَاَقِمْنَ الصَّلٰوۃَ تا آخر و ختم این آیت بذکر نسا است یعنی قوله واذکرن تا آخر
و کسی عاقل شنیده باشد که در قرآن کدام آیتی هست که یک لفظ در حق شخصی و لفظ دیگر در حق
شخصی دیگر آمده باشد پس این تاویل شان خیالی ست که مخالف سیاق و سباق این قصه است
و حق آنست که این آیت بالاضافه در حق ازواج ست لیکن چون آنحضرت صلی الله علیه وآله
وسلم چار تن پاک را در زیر گلیم جاداده دعای اَللّٰهُمَّ هٰٓؤُلَاۤءِ اَهْلُ بَیْتِیْ خواندند آنها
هم داخل شدند و ارادت طهارت و مغفرت همه ایشان ثابت ست و چگونه ازواج مطهرات را
بسینه زوری اخراج نموده شود باوجود ظهور تمام قرائن قویه و باوجود آنکه در حق زوجه شریفه
ابرهیم علیه السلام لفظ اهلبیت وارد شده اَتَعْجَبِیْنَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ رَحْمَتُ اللّٰهِ
وَبَرَکَاتُهٗ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ وسابق در آیت وضو و آیت وَاٰخَرُوْنَ
اعْتَرَفُوْا ذکر تطهیر صحابه گذشت پس بموجب اینهمه نصوص اینهمه بزرگان چه اهلبیت چه
صحابه مشمول رحمت و رضوان و طهارت و غفران بودند چنانچه اهل حق میگویند نه معصوم
و نه محروم چنانچه منکرین قرآن خیال کنند حاشا ثم حاشا سُبْحَانَکَ هٰذَا بُهْتَانٌ
عَظِیْمٌ حق تعالی خطاب بصحابه کرده میفرماید هُوَ الَّذِیْ یُصَلِّیْ عَلَیْکُمْ وَمَلٰٓئِکَتُهٗ
لِیُخْرِجَکُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَی النُّوْرِ او خداوند یست که درود و رحمت میفرستد
بر شما و فرشتگان او تا بیرون آرد شما را از تاریکیهای کفر و ضلالت بروشنی ایمان و هدایت

ای مومن درین آیت تامل فرما که ازین نعمت و کرامت کدام فاضلتر باشد که حق سبحانه
چنانچه صلوة بر رسول خود فرستد بهان لفظ بر اصحاب او فرستد و کوردلان ازین معنی
چشم پوشیده اند و گویند که صلوة و سلام حق اهل بیت ست بر دیگران جائز نیست
تا بجدیکه بر اولاد ایشان هم نباید گفت و این آیت مکذب شان ست ای برادر حال این قوم
به کتاب الله اینست که هرچه گویند قرآن آنرا باطل و نابود سازد چنانچه جابجا واضح
ساختم عجب باشد که به تلبیس ایشان چسپین از قرآن دست برداشته دین خود
بباد دهی نعوذ بالله منه لیکن علما فرموده اند که حفظ ادب مقتضی آنست که صلوة و سلام
اولا بر آنحضرت گفته بر آل و اصحاب باید گفت صلی الله علیه و آله و اصحابه اجمعین
بعد ذکر حقیت قرآن و بودن او تصدیق کنندهٔ کتابهای سابقه را میفرماید ثم اورثنا
الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا پس میراث دادیم قرآن را یعنی تا
... آن بکسان که برگزیده ایم ایشان را از بندگان خود یعنی امت
... وارث کتاب خود گردانیم فمنهم ظالم لنفسه
پس بعضی از بندگان برگزیدگان ظلم کننده اند بر نفس خود در تقصیر در عمل بر وفق کتاب
ایضا ومنهم مقتصد و بعضی از ان بندگان میانه رو اند یعنی عمل کنند بدان در اکثر
ایضا اوقات ومنهم سابق بالخیرات باذن الله و بعضی از ایشان پیشی گیرنده اند
بحسنات و احکام قرآن که پیوسته بدان عمل نمایند بدستوری خدا و توفیق او
ایضا ذلک هو الفضل الکبیر این میراث کتاب دادن و برگزیدن بخشایش بزرگست

جَنّٰتُ عَدْنٍ یَّدْخُلُوْنَهَا بہشتہای اقامت در آیند این ہر سہ گروہ در آن بہشتہا — رعد
یُحَلَّوْنَ فِیْهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّلُؤْلُؤًا آرایش و پیرایہ دادہ شدند — ایضا
این ہر سہ گروہ دران بہشتہا از دستوانہا ساختہ از زر و مروارید وَلِبَاسُهُمْ فِیْهَا — ایضا
حَرِیْرٌ و لباس ایشان دران جنات دیبا باشد وَقَالُوْا چون این قوم از آتش دوزخ — ایضا
نجات یافتہ بہشت رسند گویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْۤ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ — ایضا
حمد و ثنا مر خدای آن خدائیکہ دور کرد و برد از ما اندوہ دوزخ یا خوف رد طاعت
یا ہموم دنیا یا مانند آن اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرٌ بدرستیکہ پروردگار ما آمرزندہ — ایضا
گناہگاران ست و جزا دہندہ شکر گذاران اَلَّذِیْۤ اَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ — ایضا
فَضْلِهٖ آن خدای کہ فرود آورد ما را بسرای اقامت یعنی جنت از بخشش و کرم خود لَا
یَمَسُّنَا فِیْهَا نَصَبٌ وَّلَا یَمَسُّنَا فِیْهَا لُغُوْبٌ نمی رسد ما را در سرای اقامت رنجی برای — ایضا
طلب معیشت وغیرہ کہ در دنیا داشتیم و نمیرسد ما را در سرای اقامت ماندگی و ملال مسلمانان
پاکیزہ باطن درین آیت تامل فرمایند کہ حق سبحانہ و تعالی ہیچ امتی را باین کرامت سرفراز نفرمودہ
چنانچہ امت محمدی صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم کہ ہمہ نیک و بد شان را آمرزید و خواہ طبقہ
اولی ازین امت یعنی جماعت اصحاب رسول در میراث دادن کتاب و در اصطفا
و برگزیدن اسبق و پیشوای این امت اند لاجرم بمغفرت جمیع ذنوب آنہا و بشارات
جنت اولی و احق از تمام امت کہ بعد زمان ایشان آمدند خواہند بود پس اگر از کسی
صحابی بالفرض معصیتے ہم بثبوت رسد در آیت بآن صحیح شود دخل ظالم لنفسہ

خواهد بود او را هم عنایت ایزدی خلعت اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا نامی پوشاند پس آنچه
در وقت خلافت امیرالمومنین علی رضی الله عنه محاربات و مشاجرات درمیان صحابه
واقع شده از آن کف لسان نموده امیدوار باید بود که حق تعالی اینهمه را بفضل و
رحمت خود پاک و مصفا نموده داخل جنات خواهد نمود اما اینقدر باید فهمید که امیرالمومنین علی
مرتضی علیه السلام در اینهمه قضایا برحق بودند و مخالفان او بر باطل لیکن نسبت کفر
با نجماعت مصطفین نمودن و زبان طعن و تشنیع کشودن خود مطرود بودن است
آری آن کسانیکه منافق بودند و بظاهر کلمه اسلام خوانده بودند از این رحمت و توریث
خارج اند و داخل صحابه نی لیکن بالا بر تو آیت قرآنی خواندم که آنها از اعراب بودند که
گرد مدینه مساکن و دهات شان بود و بعضی از اهل مدینه نیز بودند و اکثر آنها بل همه آنها
در زمان آنحضرت یا بعد وی صلی الله علیه و آله وسلم به اندک زمان هلاک شدند تا این
محاربات باقی نماندند چنانچه تحقیق این مدعا در ذکر منافقین بوجه احسن ظاهر گردد ای برادر
ما بندگان محکوم فرمان خداییم ما یان را برای حکومت نیافریده اند ما را از حدود شرعی
تجاوز کردن جایز نیست بلکه هرچه ارشاد شود سر قبول باید نهاد و گردن طوع
که هرچه حاکم عادل کند همان اوست . پس با وجود این قسم تصریحات قرآنی اگر کسی
بوعظ الهی عمل نکرده زبان دراز کرد فردای قیامت زبان او را بمقراض آتش خواهند برید
وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ حق تعالی در سوره مومن خبر داده که ملائکه برای مومنان استغفار
میکنند الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ

بند آنانکه می بردارند عرش را و آنانکه گرداگرد عرش اند از گروہیان تسبیح میکنند

بستایش پروردگار ایشان و ایمان می آرند بپروردگار خود وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ

آمَنُوا و مغفرت می خواہند برای کسانیکه ایمان آورده اند میگویند رَبَّنَا وَسِعْتَ

كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ

عَذَابَ الْجَحِيمِ ای پروردگار ما فرارسیده بہمه چیز از روی رحمت و علم یعنی رحمت

و علم تو ہمه چیز را رسیده است پس بیامرز آنان را که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا

که اسلام ست و نگاهدار ایشان را از عذاب دوزخ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ

الَّتِي وَعَدْتَهُمْ ای پروردگار ما داخل کن ایشان را در بہشتہای اقامت که وعده

داده ایشان را وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ و در آر

در بہشت با ایشان ہر کرا که صالح باشد از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد

ایشان تا سرور ایشان در بہشت بدیدار آنہا تمام گردد وَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ و بدرستی که تو غالب ہستی بر ہمه چیز و ہرچه کنی بحکمت کنی وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ

و نگاهدار ایشان را از معاصی در دنیا وَمَن تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ

رَحِمْتَهُ و ہر کرا نگاهداری از سیئات درین جہان پس بتحقیق رحمت کردی او را

وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ و آن فیروزی بزرگ ست ای عزیز شان مسلمانان

پاکیزه باطن آنست که مانند ملائکه استغفار در حق مومنین خاصة در بارۂ اصحاب

سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم رضی الله عنهم اجمعین خاصة در حق مهاجرین و انصار

اولین سابقین وخاصة در حق خلفای اربعه راشدین که أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ
صفت آنهاست لیل و نهار شیوهٔ خود سازد و از غیظ و کینه دل خود را شسته
ملائک صفت گردد تا در زمرهٔ طالبین باحسان محشور شود والا مطرود ابدی
گردد نعوذ بالله منه إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ
عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ
تُوعَدُونَ بدرستیکه کسانیکه گفتند پروردگار ما الله تعالی ست پس استقامت
ورزیدند برین کلمه فرود می آیند برایشان فرشتگان یعنی نزدیک مرگ یا بوقت
برامدن از قبور یا در لحد یا آنکه با ایشان میگویند فرشتگان که خوف مکنید و غم مخورید
وشاد شوید به بهشتی که شما وعده داده میشدید به آن در دنیا بر زبان پیغمبر نَحْنُ
أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ دوستان شما بودیم در زندگانی دنیا
و در آخرت نیز دوستان شمائیم وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا
مَا تَدَّعُونَ مر شما را باشد در جنات هرچه آرزو کنند نفسهای شما و مر شما راست
در آن انچه خواهید نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ روزی مهیا کرده شده از نزد
غفور رحیم سابق در آیت تمکین مهاجرین مذکور گشته که آنها ربنا الله گفته بودند پس
بضم کردن این آیت به آن آیت بیقین واضح گشت که اینهمه بشارات مذکوره فی هذه
الآیة نصیب آن بزرگواران یعنی مهاجرین خصوصا خلفای اربعهٔ راشدین شده
که آنها پیشوایان اجماعست باتفاق آنها بودند و از قوله تعالی وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ

ایضاً
ایضاً
ایضاً

من نَّصَرَہُ نصیب وافر یافتند و فرشتگان دوستان این جماعت بودند ہم در دنیا
وہم در آخرت پس آنچہ در جلاء العیون کہ از کتب معتبرہ نزد شیعہ ہست گفتہ کہ اگر جبرئیل
و میکائیل دوستی شیخین کنند آنرا عذاب کردہ شود کفر صریح وانکار این آیات قرآنیست
و لازم می آید ازین روایت کہ تمام ملائکہ را عذاب کنند چہ آنہا بحکم این آیت دوستان
آنہا بودند و لازم می آید انکار قولہ تعالی کہ در حق ملائکہ فرمود بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ
نعوذ باللہ من ہذہ الکفریات زہی مذہب و زہی کتب معتبرۂ آن مذہب کہ بنای آن
بر کفریات باشد ہرچہ آنہا روایت کنند قرآن آنرا باطل و نابود سازد عجب از حال کسیکہ
باین کتب آویختہ از قرآن مجید دست بردہ رشتہ دین و اسلام خود را برباد دہد ای مسلمانان
از مجالسہ و مکالمۂ این ناکسان و از کفریات ایشان اجتناب ورزید کہ بزرگان فرمودہ اند
شعر دور شو از اختلاط یار بد + یار بد بدتر بود از مار بد + مار بد تنہا ہمین بر جان زند
یار بد بر جان و بر ایمان زند + و حق تعالی در قرآن میفرماید اَلْاَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِيْنَ یعنی دوستان روز قیامت باہم دشمن
شوند مگر متقیان ہرگز دوستی آنہا زائل نشود و نفع دہد ای مومن درین آیت تامل فرما
و از دوستی مفسدین و از مطالعۂ کتب ضالین کہ در ورطۂ کفر و انکار قرآن می اندازند
دور باش و دست در رکاب علمای اہل حق محکم زن کہ اینہا وارثان علوم انبیا
و حامیان دین متین و خادم تمام کلام رب العالمین اند یعنی اہلسنت و جماعت کہ
پیشوای اینہا اہلبیت و اصحاب سید المرسلین اند تا نجات یابی واللہ الہادی

الی الصواب سال ششم از هجرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در واقعه دید که بمکه شرفها
زاد الله تشریفا وتکریما با اصحاب خود تشریف آورده عمره گذارده یاران بعد استماع
این واقعه پنداشتند که تعبیر این خواب همین سال بظهور آید پس آنسرور عالم صلی الله علیه وآله
وسلم روز دوشنبه غرهٔ ذی قعدهٔ این سال از مدینهٔ منوره بیرون آمده احرام بعمره گرفت
واکثر صحابه در رکاب شریف همراه بودند وچون در حدیبیه که نام منزلیست رسید کفار
از در آمدن مکه امتناع ورزیدند آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم عثمان رضی الله عنه را
بمکه فرستاد که ما برای زیارت آمده ایم وارادهٔ جنگ شما نداریم کفار عثمان رضی الله عنه را
در مکه باز داشتند وآمدن ندادند آوازهٔ قتل او در لشکر مسلمین افتاد آنحضرت اصحاب را
طلبید وانها یکهزار وچهار صد بودند ودر بعضی روایات زیاده نیز گذشته وخود بدولت
در زیر درخت سمره نشسته از ایشان بیعت خواست بر آنکه با قریش جنگ کنند واصلا
نگریزند تا کشته شوند صحابه برین شرط بیعت کردند چون عثمان حاضر نبود آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم دست مبارک خود بر دست دیگر زد وفرمود هذا ید عثمان یعنی
این دست عثمان ست واین بیعت را بیعت رضوان نامند حق تعالی در حق بایعان
رضوان میفرماید لَقَدْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ
الشَّجَرَةِ هر آئینه بتحقیق خدای تعالی خشنود شد از مومنان وقتیکه بیعت میکردند با تو
در زیر درخت سمره فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ پس دانست آنچه در دلهای شان ست
از صدق وصفا واخلاص ووفا فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ پس فرستاد خدای تعالی

ایضا

ایضا

قرار و سکینه بر ایشان آی عزیز درین لفظ تامل فرما حق سبحانه سکینه خود را بر جمیع بایعین
رضوان نازل فرموده و سابق در حق صحابه غزوه حنین نیز بشارت نزول سکینه گذشت
و خلفای راشدین از صحابه این هردو معرکه اند پس ظاهر شد که آنچه اهل تقیه در آیت غار
فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلَيْهِ گفته اند که ضمیر علیه راجع بصدیق اکبر است نه بآنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم چرا که آنحضرت را سکینه از سابق حاصل بود و قوت قلب بمرتبه بود
داشت لهذا صدیق اکبر را تسلی نموده لَا تَحْزَنْ اِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا فرمود این تفسیر حق است
و طعن منکرین باطل و ساقط شد بیکباره چه ناخوش شده غیظ می خورند اینجا چهار ده سکینه
بلکه زیاده بر دلهای صحابه عظام نازل شده وای برین قوم که چه یکبارگی از قرآن دست بر داشته
بروایات مفتریان هیچ دین خود را بر باد دادند ای مسلمان از عذاب خدا بیندیش و ایمان
خود بقرآن درست نموده از کفریات این قوم کناره گزین و الهادی هو الله تعالی باز بشنو که
در حق همان بایعین رضوان نزول سکینه چه می فرماید وَاَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيْبًا و جزا داد ایشان را
خدا ایشان را فتح نزدیک که فتح خیبر است آنچه در غزوه خیبر اگرچه تمام صحابه بیعت رضوان
جهاد فی سبیل الله کردند و همه بمقدور خود سعی بلیغ نمودند اما از انسیکه اتمام این مسئله
نصیب امام الاولیا شیر بیشه وغا اسد الله الغالب علی بن ابیطالب رضی الله عنه بود
آنحضرت فتح این خیبر کرده و مرحب خیبری را بکشت و در خیبر بزور ولایت برکند و داد
قتال جهاد و دمار از روزگار مشرکان بر آورد درینجا بنیان تقیه که بر انجناب بسبب سکینه
از بیخ برکنده شد چه کسیکه باینمرتبه دلاوری و زور بطل داشته باشد او را بنامردی

و مغلوب بودن چکار ظاهر شد که هر چه وی در ایام خلافت خلفای ثلثه از بیعت آنها و متابعت
و جهاد بکفار همراه آنها کرده و نماز خلف آنها خوانده همه حق و عین صواب بود بعمل آورده بود
ظاهر شد که وصف او همانست که اهل سنت میخوانند يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ نه آنکه
اهل بطالت میگویند وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا تا آخر و چون همه حضار این معرکه یعنی اصحاب
بیعت رضوان سعی و جهاد در فتح خیبر کرده بودند آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم تمام غنائم
خیبر برابر همه این بزرگان قسمت فرمود حق تعالی در حق همه ایشان فرمود وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا
قَرِيبًا و جزای ثواب داد خدا همه ایشان را فتح نزدیک یعنی فتح خیبر یا فتح مکه پس کسیکه
در حق یکی هم از ایشان گمان برد که آنها در خیبر نصرت نکردند یا جهاد نکرده گریخته آمدند کاذب
و منکر این آیت باشد و خود مخذول گردد نعوذ بالله منه باز بشنو که در حق آنها چه انعام بی اندازه
متوجه میشود وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا و داد خدا تعالی آنها را غنیمتهای بسیار
که بگیرند آنها در زمان آینده وَكَانَ اللهُ عَزِيزًا حَكِيمًا و هست خدا غالب و غلبه دهنده
دوستان خود حکیم در هر چه کند باز حق تعالی بهمان صحابه حضار بیعت رضوان خطاب
نموده میفرماید وَعَدَكُمُ اللهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا وعده داد شما را خدا تعالی
غنیمتهای بسیار که بگیرند آنرا در زمان آینده فَعَجَّلَ لَكُمْ هٰذِهِ پس شتاب کرد و نقد داد
شما را این غنیمت خیبر وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ و باز داشت دستهای کفار
از شما وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ و تا باشد آن غنیمت نشانه مر مومنان را بر راستی
قول پیغمبر و صدق وعده الهی در باب غنائم وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

و تا هدایت کند شما را خدا راهی مستقیم وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا و وعده داد شما را
خدا تعالی غنیمتهای دیگر که هنوز قادر نشدید بران و نمیدانید آنرا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا
بتحقیق احاطه کرده است علم خدا بآن غنائم وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۝
و هست خدا بر همه چیز از فتوح و اعطاء غنائم قادر و توانا این آیات نصوص قاطع اند
برانکه وعدهٔ فتوح و غنائم که در زمان آینده ظاهر گردد بحاضران معرکه حدیبیه است اصالةً
که خبر داده است خدا بآنها و اگر بدیگران خواهد بود بطفیل و بیعت ایشان خواهد بود و شک
نیست که خلفای اربعهٔ راشدین از حضار این معرکه اند پس هر چه ایشان در زمان خلافت
خود از فتوح و غنائم گرفتند جزای بیعت رضوان است و انجاز و ایفای وعدهٔ الهی است
که درین آیت بآنها کرده بود و علم الهی محیط بود که ایشان غنائم در خلافت خود بنا بر وعده
بحق خود خواهند گرفت پس هر که خلافت این بزرگان و تصرف ایشان را بناحق خیال
کند منکر این آیت و این وعده باشد و منکر علم الهی و خود مطرود ابدی گردد باز حق تعالی
درهمین قصه میفرماید إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ
الْجَاهِلِيَّةِ یاد کن ای محمد چون گردانیدند و جا دادند کفار مکه در دل خود تعصب و تکبر
و غیرت جاهلیه را یعنی هر چند آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بآنها گفته فرستاد که
ما ارادهٔ جنگ با شما نداریم برای زیارت آمده ایم آنها بدر آمدن آنحضرت و صحابه بمکهٔ معظمه
راضی نشدند بلکه تعصب جاهلانه بکار بردند و آخر مهم شان بر صلح قرار یافت باینکه
ده سال میان اهل اسلام و کفار قریش جنگ نبود و مسلمانان سال دیگر آمده عمره

قضا کنند و دیگر شرطها نیز میان آمد و چون بسبب این صلح مسلمانان را فی الجمله شکستگی
خاطر و دغدغه راه یافت حق تعالی برحمت شامله خود آن وسواس را از خاطر ایشان
دور کرده سکینه و آرام خود بر ایشان نازل فرمود چنانچه میفرماید فَأَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِينَتَهُ
عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ پس نازل فرمود خدای تعالی آرام و وقار خود را بر رسول
خود و بر مومنین تا قتال نکرده بصلح راضی شدند وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ و لازم کرد
و ثابت داشت ایشانرا خدای تعالی بر کلمه تقوی که کلمه شهادت است یا بسم الله الرحمن الرحیم
یا لفظ محمد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم که کفار انکار آن میکردند وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا
وَأَهْلَهَا و بودند یا هستند اینجماعت سزاوارتر و لائق تر بکلمه تقوی وَكَانَ اللّٰهُ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا و هست خدا بهمه چیز دانا ای عزیز اگر ایمان بخدا و کتاب او میداری
درین آیات تامل کن که از ابتدای لَقَدْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ تا اینجا چه اوصاف
حمیده آنها بیان فرموده و چه وعده های نعمت و غنائم درباره آنها عطا فرموده و اینجا
فرموده که آنها لائق بکلمه تقوی و مستحق و اهل آن بودن آنها میدانست و کلمه تقوی را
حق تعالی لازم آنها گردانید و شک نیست که لازم از ملزوم منفک نگردد و جدا
نشود و حق تعالی حق کسی را از روی حق و مستحق آن باز نستاند پس این نص قطعی ست بر
بودن جمیع اهل بیعت رضوان بر حق و ایمان بر آنکه البته موت شان بر ایمان باشد
و چون خلفای راشدین رئیس اینجماعت بلکه افضل و اشرف آنها اند باتفاق
آنها پس اگر کسی در حق یکی هم ازان بزرگان ظن فاسد یا تهمت نفاق یا مانند آن کند

کند کافر و مطرود و منکر اینهمه آیات لاتحصی گردد ای مسلمانان اگر نجات میخواهید ایمان
خود بقرآن استوار کرده از افسانهای کلینی وغیره مفتریان اجتناب کنید وگرنه هلاک
شوید و ما علینا الا البلاغ باز بشنو که حق تعالی درهمین قصه چه میفرماید لَقَدْ صَدَقَ
اللّٰهُ رَسُوْلَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ هرآینه بتحقیق راست کرد خدای تعالی برای رسول خود
آن خواب را که دیده بود براستی و بنابر حکمتی درین سال تاخیر کرد و در سال آینده لَتَدْخُلُنَّ
الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ اٰمِنِيْنَ هرآینه شما بمسجد حرام در آیید انشاء الله
تعالی درحالیکه بیخوف و امین باشید از دشمنان مُحَلِّقِيْنَ رُءُوْسَكُمْ وَمُقَصِّرِيْنَ
لَا تَخَافُوْنَ تراشندگان موهای سر خود را و کوتاه کنندگان آنرا یعنی بعضی سر تراشیده
و بعضی بمقراض کوتاه سازنده نخواهند رسید از کسی فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا پس دانست
خدا آنچه شما ندانید از حکمت در تاخیر عمره درین سال فَجَعَلَ مِنْ دُوْنِ ذٰلِكَ فَتْحًا قَرِيْبًا
پس گردانید خدا پیش از قضاء عمره فتحی نزدیک که فتح خیبرست هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ
رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ اوست خداوندی
که فرستاد رسول خود را به راه نمودن خلق و بدین حق که اسلامست تا غالب گرداند
آن دین را بر همه دینها یعنی اگر دین کتابی باشد مانند دین توریت و انجیل احکام آنرا
منسوخ سازد و اگر دین اختراعی بود آنرا برانداز و نیست و نابود سازد یا معنی آنست
که اهل اسلام بر جمیع ملتها غالب آیند و همچنین بوقوع آمد که آنحضرت در حیات خود
رئیس کفره فجره را که اهل مکه و یهود مدینه و بنو قریظه و خیبر و مانند آنرا به تیغ برکشیده

ایضاً

ایضاً

ایضاً

ایضاً

ایضاً

ونصاری نجران را ذلیل ساخته جزیه بر آنها نهاد و بنو نضیر را که قبیلهٔ عظیمه از یهود بودند اجلا فرمود و در روز حجة الوداع که خطبه خوانده تمام رسوم کفر را برانداخت و زیر پا در آورد و بعد وفات آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم خادمان عتبهٔ عالیه اش که خلفای اربعه و دیگر مهاجرین و انصار و تابعین اخیار اند دیار سلاطین عجم را مثل قیصر و کسری و سوای روم وغیره بلاد شام را با آقالیم دیگر بسلسلهٔ خدام محمدی صلی الله علیه وآله وسلم در آورده یا مقتول ساختند یا از انها جزیه گرفتند و همچنین بعد زمان خلفای راشدین اکثر امرا و سلاطین اهلسنت کمر جهاد بسته از مقدور خود در ترویج دین تقصیر ننمودند چنانچه تا الیوم سلطان روم که حنفی مذهب ست با نصاری همیشه جهاد می کند و بسیاری از انها در ربقهٔ اسلام در آمده و یقین ست که تمام بلاد کفره تا قیام قیامت در حوزهٔ تسخیر خدام محمدی در آینده و آن در وقت امام مهدی و عیسی علیهما السلام خواهد بود والحمد لله علی ذلک وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا و کافی ست خدا گواهی دهنده بر نبوت تو اگرچه کفار انکار نمایند مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله وسلم که معنی آن ستوده بصفات جمیله و اوصاف حمیده است فرستادهٔ خداست وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ و آنانکه همراه اویند یعنی اصحاب او سخت دل اند بر کفار یعنی جهاد می کنند و کفار را می کشند رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ رحمت کنندگانند باهم یعنی یکی با دیگری نرمی و مهربانی می کنند این نص قطعی ست بر ملا اندامی کند که صحابه باهم رحمت داشتند خصوص اصحاب بیعت رضوان که این آیت مرتبط بقصهٔ آنهاست با علی رضی الله عنه یا عداوت علی با اینها درست کنند

ایضاً

ایضاً

ایضاً

ایضاً

[illegible] با علی ۱۲

گشتند و انرا اصل ایمان و مذہب حق نام نهند کفر صریح و اصل ضلالت ست و انکار از حق
زیرا که کتب صحیحه که هرچه در انها باشد قرآن آنرا باطل و نابود سازد عجب احمقے باشد که این
خرافات جسیم از قرآن مجید دست بر داشته دین خود را بباد دهد قوله فویل لهم
مما کتبت ایدیهم وویل لهم مما یکسبون تریهم رکعا سجدا (الفتح)
یبتغون فضلا من الله ورضوانا می بینی ایشانرا رکوع کنندگان و سجده کنندگان
می طلبند این بزرگان زیادتی ثواب و خوشنودی او این نص قطعیست در انکه صحابه خصوص
با تعین رضوان در عبادات خود چه جهاد و چه نماز و غیره طالب رضوان خداوند و ریا و سمعه
و طمع دنیوی را بانها راه نیست پس انچه منکرین در کتب خود ذکر کنند که ابوبکر بتایید
قول منجم ایمان آورده و برای طمع ریاست هجرت کرده بود باطل محض و دروغ ست و نکال
این آیت ست سیماهم فی وجوههم من اثر السجود علامتهای ایشان در رویهای (ایضاً)
ایشان ظاهر بود از اثر سجده کردن ذلک مثلهم فی التورىة ومثلهم فی (ایضاً)
الانجیل این وصف که مذکور شد صفت ایشان ست در کتاب موسی و صفت ایشان
در کتاب عیسے علیهما السلام کزرع اخرج شطأه مانند کشتی ست که بر آرد شاخ (ایضاً)
خود را یعنی بیخ زرد و برگ بیرون آرد فازره پس قوی گرداند آن شاخ را فاستغلظ (ایضاً)
پس سطبر شود فاستوی علی سوقه پس بایستد بر ساقهای خود اول دانه بود
دگیاهی ضعیف آخر درختی گردد یعجب الزراع خوش میگرداند و بتعجب آرد مزارعان (ایضاً)
یعنی سطبری و درستی و خوبی او دیده مزارع خورسند و شادمان میگردد این مثلی ست

که حق تعالی برای پیغمبر و یاران او بیان فرمود که اسلام در اول ضعیف بود و اصحاب
رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم قوت نداشتند و روز بروز برحمت الهی تایید آنها میکرد
و مسلمانان زیاده و با قوت میشدند تا بحدیکه در روز فتح مکه انبوه کثیر بهم رسیده
همچنین بعد از ان تا که در حجة الوداع آنقدر اهل اسلام جمع شدند که هر سو که نگاه میکردی سوای
ایشان دیگری بنظر نمی آمدند درینجا قول منکرین که میگویند که اصحاب مخلص آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم اندک بودند و دیگران بنفاق یا طمع دنیا جمع شده بودند باطل شده
هباء منثورا گشت چه حق سبحانه و تعالی قوت و بزرگی آنها بعنوان مدح بیان فرموده
باز بشنو که چه میفرماید لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ یعنی خدا تعالی کثرت اصحاب و قوت آنها
برای آنکه تا بخشم آرد بسبب آنها کفار را یعنی کفار بخشم آیند و غیظ و کینه خورند که آه
این بیچارگان در اول اسلام در مکه اندک بودند حالا چه شد که اینقدر غلبه و قوت یافتند
اینجا زبان منکرین از قفا بریده شد و ظاهر شد که آنچه می لافند که صحابه رسول الله صلی الله
علیه و آله وسلم جابر و حذیفه و عمار و مقداد و سلمان و چند کس دیگر معدود بودند و بس
نه غیر ایشان هذیان است و کسیکه ایمان بقرآن داشته باشد با وجود این قسم تصریحات
قرآنی چطور مثل این واهیات را کلام حق دانسته از تمام قرآن دست بردار شده
کافر شود زهی مذهب و ملت که نسبت آن باهل بیت کرده شود و آنرا مذهب امام جعفر
صادق علیه السلام نامیده شود و سراسر کفر و ضلالت انکار تمام قرآن باشد نعوذ بالله منه
ای مسلمانان حاشا چنین خیال نباید کرد که امام جعفر صادق پیشوای ملت احمدی در وقت

وقت خود لبودند و دین و مذهب او قرآن بود نه چیز دیگر و نسبت این خرافات بجناب پاک او
نباید کرد مگر او کسی که دشمن او و دشمن آبای کرام علیهم السلام باشد زینهار زینهار از
این قوم که سراسر بانکار قرآنی مملو و مشحون اند کناره گزین و گرنه هلاک شوی باز بشنو که

ایضا

در حق همه اصحابه که کثرت و قوت آنها نه کو گذشته چه سفر باید وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ وعده داد خدای تعالی بکسانیکه ایمان آوردند

ایضا

و کارهای نیکو کردند که آنها اصحاب پیغمبر اند مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا مغفرت گناهان
آنها و به اجر عظیم بر عبادات شان کلمه من درین آیت برای بیان شرف و فضیلت صحابه
از دیگران مومنان بقرینه سباق و سیاق آیات دیگر مذکور شد مثل قوله تعالی وَكُلًّا
وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنَى و مانند آن پس ثابت شد که آنها مغفور و بهشتی اند و ثابت شد
که هر که با آنها بغض و غیظ کند کافر گردد ای برادر کسی را که راه نجات خود منظور باشد
بجمیع صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم محبت داشته همه را بالمغفرت و دعای
خیر یاد اورده باشد و الا بموجب این نص داخل کفار خواهد بود والله الهادی و علی کرمه
الاعتمادی باز بشنو که چه دریای کرم در حق آن پاکان جوش میزند لَا يَسْتَوِي
مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ برابری نمی کند شما ای صحابه هر که
نفقه کرده مال خود را در راه خدا پیش از فتح مکه و جهاد کرده در آن وقت با کسی که انفاق کرده

ایضا

بعد فتح مکه نمود أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ
وَقَاتَلُوا آن گروه که پیش از فتح مکه انفاق و جهاد کرده اند بزرگترند از روی درجه

ایضاً و مرتبه از آن کسان که انفاق و جهاد بعد فتح مکه کردند وَكُلًّا وَّعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى و
همه ایشان را چه منفقان و مجاهدان پیش از فتح و چه بعد از آن وعده داده است خدا تعالی
وعدهٔ نیکو که بهشت است باید دانست که اکثر غزوات و سرایا که بعد هجرت بوقوع آمده پیش از
فتح مکه بودند و در هر غزوه و سریه جماعهٔ کثیر از صحابه حاضر بودند چنانچه در غزوهٔ بدر کبری
که در سال دوم از هجرت واقع شده سه صد و سیزده کس و در غزوهٔ احد که سال سوم از هجرت
بود قریب هزار کس و در غزوهٔ بدر صغری که سال چهارم واقع شده یکهزار و پانصد کس و در
غزوهٔ احزاب که سال پنجم واقع شده تمام مهاجرین و اکثر اهل مدینه قریب هزار کس و در صلح حدیبیه
که سال ششم واقع شده یکهزار و چهارصد کس و در بعضی روایات زیاده ازین نیز مذکور گشته و در غزوهٔ
بنو قریظه که متصل بغزوهٔ احزاب واقع شده نیز قریب هزار کس و در غزوهٔ خیبر که در سال هفتم
واقع شده همون حضار بیعت رضوان با چند کس دیگر در عمرهٔ قضا که در سال هفتم بوقوع آمده
دو هزار کس حاضر بودند و در غزوهٔ فتح مکه که در سال هشتم بوقوع آمده ده هزار کس و در بعضی روایات
زیاده نیز مذکور گشته و در غزوهٔ حنین که بعد فتح مکه همدرین سال واقع شده دوازده هزار و در
بعضی روایات زیاده نیز آمده و در غزوهٔ تبوک که در سال نهم بوقوع آمده سی هزار و در بعضی
روایات زیاده ازین نیز مذکور گشته که حاضر بودند و در سال دهم در حجة الوداع آنقدر مسلمانان
جمع شده بودند که قلم هیچ کاتب احاطهٔ آنها نمی تواند کرد تا بجدیکه در بعضی روایات یک لک
و چهارده هزار و در بعضی یک لک و بست هزار آمده و دلیل بر کثرت صحابه قوله تعالی
در قصهٔ حنین اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ و قوله تعالی كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْـَٔهٗ تا آخر

و قوله تعالی وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا یعنی بعد فتح مکه در دین خدا فوج فوج در آیند و خوشنودی که حق تعالی فرمود که کسانیکه پیش از فتح مکه انفاق و جهاد کردند و کسانیکه بعد از آن نمودند همه آنها را خدای تعالی وعدهٔ حسنی کرده و سابق آیت لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ گذشت که کسانیکه از مومنین بخانهٔ خود نشسته اند و کسانیکه جهاد کرده برابر نیستند بعد از آن آنجا هم فرمود وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ پس ازینهمه آیات ثابت شد که این همه مومنین و مومنات که هزارها زن و مرد احرار و عبید بودند خواه ایشان جهاد کنندگان بودند و خواه بخانه نشینندگان و خواه پیش از فتح مکه ایمان آورده بودند و خواه بعد از آن همه اینها را وعدهٔ حسنی ثابت است پس قول منکرین که صحابهٔ مخلصین را منحصر در چندین متعدد میدارند و ایمان و هجرت و جهاد دیگر هزارها مسلمانان را بر اغراض دنیوی حمل میکنند کذب جلی و انکار اینهمه آیات لاتحصی ست عجب احمق باشد که بکتب باطل و روایات واهیات این منکران قرآن چسپیده از مذهب ائمه و اهلبیت علیهم السلام گمان کرده در چاه ضلالت و قعر جهنم بیفتد نعوذ بالله منها و از آیت فضیلت منفقین و مجاهدین پیش از فتح مکه واضح گشت و از آیات سابقه فضل اهل بدر و اهل احد و بیعت رضوان و خیبر و حنین و تبوک و غیره بوضوح انجامید و بحمد الله سبحانه خلفای اربعهٔ راشدین در تمام این غزوات گوی سبقت برده اند و در همه جا حاضر بوده در هر مشوره و امر خیر پیشوا و سابق همهٔ این مومنین بودند و سابق واضح کردیم که لعاق با آنها راه نبود و از همینجاست که بعد وفات آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم تمام مهاجرین

وانصار آن بزرگواران را افضل و اسبق از خود دانسته هریکی را در وقت او امام و پیشوای خود دانسته

و مطیع و منقاد آنها گشتند پس کسیکه بجناب یکی هم ازان بزرگان سوء ظن برد و یا طعن و تشنیع

کند یقین است که منکر جمیع مهاجرین و انصار وغیره اصحاب و منکر تمام آیات قرآنی که بر توضیح آنهم

باشد و مرتد گردد و نعوذ بالله منه باز بشنو که حق تعالی در سوره حشر بعد ذکر اجلای بنی نضیر که

یهود بودند و مالهای شان بدست اهل اسلام افتاده بود و در باب تقسیم آن اموال و در تقسیم آنچه

از غنیمت بدست مسلمانان افتد بعد ذکر نام پاک خود و نام پیغمبر خود و اقربای آنحضرت

صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ذکر یتامی و مساکین و مسافرین تمامه مسلمین را بر سه قسم منقسم

میفرماید قسم اول مهاجرین لِلْفُقَرَآءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ

وَأَمْوَالِهِمْ یعنی قسمت فی و مال غنیمت برای فقراست که هجرت کنندگانند آنانکه

بیرون کرده شدند از سراهای خود و مالهای خود يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا

در حالیکه طلب میکردند بخشش خدا را و خوشنودی حضرت او را یعنی هجرت ایشان برای تجارت

و اغراض دنیا نبود بلکه طالب رحمت و رضای حق بودند و بدوستی خدا و رسول او

ترک دیار و اموال نمودند ازین آیت معلوم شد که هجرت جمیع مهاجرین برای خدا بود نه

بطمع دنیا و ریاست وغیره چنانکه منکرین قرآن توهم فاسد کنند چه این آیت در تقسیم

غنیمت نازل شده و آنحضرت بر تمامه مهاجرین تقسیم نمود وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

در حالیکه یاری میکردند این مهاجرین خدا و رسول او را و سابق در آیت تمکین مهاجرین

گذشت وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ و هر آینه نصرت خواهد داد خدا تعالی کسی را

رکوع اول از سوره حشر سیپاره قد سمع

ایضاً

ایضاً

کسی دین او یا رسول او را یاری دهد در آیت منافقین گذشت وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ
مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ یعنی منافقین را نه زمین هیچ کس یاری و مددگاری میکند و نشکست
که حق تعالی در حق خلفای راشدین انچه وعده نصرت بمهاجرین داده بود درست کرد
که هم در حیات آنحضرت و هم بعد وفات او نصرت ایشان کرد بوجهیکه اظهر من الشمس است
و بالا انبذیی از ان مذکور گشته و وعیدی که درباره منافقین از عدم نصرت آنها کرده بود
درباره ایشان بوقوع نیامد پس کالشمس فی نصف النهار واضح و لائح گردید که این بزرگان
از مهاجرین اولین و ناصران دین خدا و رسول او بودند نه منافق و مانند آن ظاهر شد انچه
از اول این کتاب تا اینجا آیات مدح مهاجرین و بودن آنها از اهل جنت بسبیل دوام مخلود
و دیگر محامد و مکارم و اوصاف حمیده آنها خواندم همه آن ایشان را ثابت است
و بالا در حق همین مهاجرین آیت کریمه اَلَّذِيْنَ اِنْ مَّكَّنّٰهُمْ خوانده شد و حاصل
آنست که از ایشان در وقت قدرت و اختیار عبادات بدنی و مالی و امر معروف
و نهی منکر بظهور آمد نه شر و فساد و غیره پس ثابت شد که انچه منکرین قرآن برین بزرگان
تهمت ظلم و فساد در ایام خلافت ایشان ذکر کنند و دیگر مطاعن یاد کنند همه باطل
و کفریات اند و انکار اینهمه آیات قرآنی و نیز ظاهر شد که انچه منکرین این فرقه ضاله مطاعن
آنها از روایات اهل سنت استنباط نموده از سوء فهم این ناحق شناسان است اعتباری
ندارد بلکه معانی و مراد آن روایات همان است که علمای اهل سنت و محدثین آنها
در شروح آن روایات بیان نموده اند چه کسانیکه آن روایات را در کتب خود ایراد

کرده اند از همه راویان صدها احادیث صحاح در فضائل و مناقب این بزرگان آورده اند
پس ثابت شد که بنای مطاعن صحابه بر سوء فهم این فرقه ضاله است و هیچ حدیثی در کتب
صحاح اهلسنت در طعن آنها موجود نیست و چگونه این معنی متصور گردد کسانیکه حقتعالی
آنها را در کلام خود باین مناقب و محامد یاد فرماید رسول او چطور در حق آنها ذم کند پس
کسانیکه با وجود این قسم تصریحات قرآنی گمان برند که احادیث در کتب اهل سنت
در مطاعن آنها ورود یافته گویا مخالفت ثابت می کنند درمیان کلام خدا و رسول او
این کفر صریح است کما لا یخفی الحمد لله که اهلسنت و جماعت بآیات محکمات قرآنی متمسک
بسند خود ساخته کلام رسول او در تفصیل و شرح آن آیات میدانند پس ایشان راسخون
فی العلم اند نه غیر ایشان باز بشنو که حق تعالی در حق همون فقرای مهاجرین چه میفرماید
اُولٰئِكَ هُمُ الصّٰدِقُوْنَ آن گروه هجرت کنندگان ایشان راست بازند
هم در قول و هم در فعل ای مسلمان پاکیزه باطن درین لفظ تامل فرما که این لفظ جامع جمیع صفات
جمیله است پس از ان بزرگان چطور خلاف حکم شرع صورت بندد و قسم دوم که
مال فیء برانها تقسیم باید کرد انصار اند چنانچه میفرماید وَالَّذِيْنَ تَبَوَّؤُ الدَّارَ (ایضا)
وَالْاِيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ برای کسانیست که جا گرفتند در سرای هجرت و خانه ایمان
یعنی مدینه مطهره پیش از هجرت مهاجران يُحِبُّوْنَ مَنْ هَاجَرَ اِلَيْهِمْ دوست میدارند (ایضا)
کسی را که هجرت کند بطرف ایشان یعنی مهاجران محبت میدارند وَلَا يَجِدُوْنَ
فِيْ صُدُوْرِهِمْ حَاجَةً مِّمَّآ اُوْتُوْا نمی یابند انصار حسد و دغدغه در سینه های (ایضا)

سینه های خود از آنچه عطا داده شود بایشان آنحضرت انصار را طلبید و ذکر اعانت
و احسان ایشان که درباره مهاجران کرده بودند فرمود پس گفت ای گروه انصار اگر خواهید
تمام اموال بنی نضیر بشما دهم و مهاجران بدستور سابق در خانهای شما باشند و اگر خواهید
این مال را بمهاجران بدهم و ایشان از منازل شما بیرون آمده بکفایت امور معیشت خود
قیام نمایند اکابر انصار بعرض رسانیدند که یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خاطر ما
آن میخواهد که این اموال بمهاجرین قسمت فرما و ایشان همچنان در خانهای ما باشند که از روشنایی
و برکت در منازل ما از ایشان است آنحضرت در حق ایشان دعا کرد و حق سبحانه
در شان ایشان میفرماید وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ و ایثار می کنند و مقدم میدارند
انصار مهاجران را بر نفسهای خود وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ و اگرچه هست بایشان
حاجت یعنی اگرچه انصار هم حاجت بمال دارند اما بسبب علو همت میخواهند که همه آن مال
بر مهاجرین قسمت یابد وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
و هر که نگاه داشته شود از بخل نفس او پس آن گروه ایشانند رستگاران ایعزیز حق سبحانه
و تعالی انصار را درین آیت بمحبت مهاجران و خدمت آن بزرگواران ستایش نموده
و بهمین سبب فلاح را وابسته حال ایشان فرمود پس هر کرا فلاح خود و نجات از عذاب الهی
منظور باشد مانند انصار محبت و عقیدت بجمیع مهاجرین خصوصا بخلفای راشدین که باتفاق
آنجماعت بهترین و افضل و امام ایشان بوده اند پنداشته همه را بدعای مغفرت و رحمت
یاد آور باشد تا در زمره اهل اسلام محشور شود و این عقیدت و محبت خاصه ابنای انصار

در بارهٔ جمیع مهاجران لازم تر و موکد تر تا بحکم وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ
بِاِیْمَانٍ اَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ داخل در زمرهٔ انصار و مفلحین شوند یعنی حق تعالی فرموده
وکسانیکه ایمان آوردند و متابعت کردند آنها را اولاد آنها با یمان لاحق کردیم با آنها
اولاد آنها را و اگر از متابعت آبای کرام خود معاذ الله سرپیچیدند عقیق خود خلاف
آنها برارند پس آیت قرآنی را که در حق پسر نوح علیه السلام نازل شده اِنَّهٗ لَیْسَ
مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهٗ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ تلاوت نمایند و در دل خود انصاف دهند
وَمَا عَلَیْنَا اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِیْنُ قسم سوم که مال فی برانها قسمت باید کرد وَالَّذِیْنَ
جَآءُوْا مِنْۢ بَعْدِهِمْ و آنانکه آمدند بعد مهاجرین و انصار مراد تابعان صحابه اند | ایضاً
تا روز قیامت یَقُوْلُوْنَ می گویند رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِاِخْوَانِنَا الَّذِیْنَ | ایضاً
سَبَقُوْنَا بِالْاِیْمَانِ ای پروردگار ما بیامرز ما را و برادران ما را که سبقت کردند بر ما
بایمان وَلَا تَجْعَلْ فِیْ قُلُوْبِنَا غِلًّا لِّلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا و مگردان در دلهای ما کینه و عداوتی | ایضاً
برای آنانکه ایمان آوردند یعنی در حق صحابه بعد دعای مغفرت میگویند که الهی در دلهای
ما از طرف اصحاب کینه مگردان رَبَّنَا اِنَّكَ رَءُوْفٌ رَّحِیْمٌ ای پروردگار ما بدرستیکه | ایضاً
تو مهربانی دعای ما را اجابت کن و بخشنده برما برحمت خود ما را السابقین ملحق فرما
ای برادر این قسم اجرا حق تعالی باین نهج وصف فرموده که آنها در حق صحابه خیر
خواهند بود کینه بخدمت صحابه نخواهند داشت و چون رافضی و خوارج دعوی ایمان
بقرآن دارند و بموجب این نص از مسلمانان خود بخود خارج میشوند در مقام گریز

گریز میکنند و می گویند که ما در حق صحابه دعای خیر میکنیم و با آنها محبت میداریم باز از ا
بغض میگویند که صحابه آنحضرت جابر و سلمان و ابوذر و مقداد و چند تن دیگر اند که عدد
آنها غالبا تا صد بلکه تا پنجاه هم نمیرسد و سوای آنها تمامه مهاجرین و انصار و غیر
هزارها مردمان را اصحاب مخلص نمیدانند و همچنین خوارج که جناب پاک اسدالله الغالب
و عثمان و اکثر آنها را از صحابه خارج میکنند و بر تو واضح ای منصف اگر ایمان بقرآن
داری که این خرافات و لغویات شان از باب هذیان ست و بالا از آیات قرآنی
لاتعد و لاتحصی واضح گشت که صحابه منحصر در مذکورین نبودند بلکه هزارها بودند و در
هر غزوه و هر معرکه انبوه کثیر جمع میشدند و آیات قرآنی در فضائل حضار معرکه بوجه اعلی
و انور مذکور گشت و تمیز مخلصین از منافقین نیز در چند جا تذکار یافت و ظاهر شد که این
کلمات مفتریات شان مشابه بآنست که ملحدان و سبزه نوشان گویند که نماز خوب
چیز ست و عبادت خداست اما نماز نام حضور قلب ست رکوع و سجود و قیام و قعود
فائده ندارد معاذالله شک نیست که این قسم معانی قرآن را تاویل میگویند بلکه تحریف
است مانند یهود لعنهم الله پس ظاهر شد که روافض و خوارج بصحابه محبت ندارند و دلهای
این ناپاکان از غل و عداوت آن خیرامت و امت وسط و عباد مصطفین مملو
هرگاه که ذکر آنها اگر در آیات قرآنی باشد پیچ و تاب میخورند و میگریزند پس معلوم شد
که دعوی محبت شان با صحابه باطل و کذب صریح ست پس ایشان از هر سه قسم مذکور
خارج شدند شعر خوش بود گر محک تجربه آید بمیان + تا سیه روی شود

هر که دروغش باشد + و ثابت شد که قسم ثالث از مسلمین اهلسنت و جماعت اند
که قرآن را محکم گرفته عمل بدان میکنند و بخدمت جمیع اهلبیت آنحضرت عقیدت و فدویت
داشته شب و روز دعای مغفرت در حق آنها میخواهند و آیت مذکوره را تلاوت
نموده غل کینه یکسو می نهند أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ و تمیز آنها از مهاجرین و انصار و غیره اصحاب خلص سید ابرار صلی الله
علیه و آله و صحابه اجمعین و بدان اسعدک الله تعالی فی الدارین کسانیکه در جناب آن سرور
صلی الله علیه و آله و سلم کلمهٔ اسلام خوانده بود بر چند قسم بودند قسم اول آنکه وقتیکه آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم بعد بعثت در مکه که مدت سیزده سال اقامت میداشت
ایمان آورده بودند در انوقت کفار غلبهٔ تمام میداشتند و همیشه اهل اسلام را
ایذاهای عظیم میرسانیدند و مسلمانان در هراس و خوف میبودند در اینها چه احتمال
نفاق ست و خلفای راشدین و باقی عشرهٔ مبشره و اکثر مهاجرین از ایشانند قسم دوم
بعضی انصار اهل مدینه که همدرین مدت در موسم حج آمده بودند و درمیان خدمت
آن سرور حاضر شده بشرف ایمان مشرف شدند و بیعت کردند و سال دوم
و سوم همدر انجا جمعی دیگر از قوم خود حاضر شده ذمهٔ حمایت و نصرت آنحضرت
بر خود لازم گرفتند در اینها چه احتمال نفاق ست قسم سوم اهل مدینه که بعد هجرت
ایمان آوردند و باوجود ضعف و ناطاقتی رسول کریم و اصحاب و جنگ و خصومت
تمام عرب و عجم بذمهٔ خود لازم گرفته جانها و مالهای خود را بمهاجرین دادند و جانهای

جانہای خود را درخدمت آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نثار کردند در اینہا ہیچ احتمال نفاق ست قسم چہارم کسانیکہ بعد ہجرت پیش از فتح مکہ گریختہ بمدینہ در دولتکدہ شریف آنحضرت آمدہ سعادت اندوز شدند وخان ومان خود را بکفار مکہ گذاشتہ آمدند در اینہا ہم چہ احتمال نفاق ست قسم پنجم آن کسانیکہ روز فتح مکہ وبعد ازان ایمان آوردند وبحکم يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ أَفْوَاجًا ہزارہا خود بخود مسلمان شدند در اینہا ہم چہ احتمال نفاق اگرچہ حق سبحانہ در حق آنہا گفتہ کہ داخل شوند در دین خدا فوجہا ایمان بنفاق آوردن را داخل شدن در دین خدا نمی گویند ونیز در حق آنہا وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى گذشت آری چون بعد ہجرت اہل اسلام قوت گرفتند وغنائم وفتوح بدست ایشان افتادن آغاز نہاد بعضی از اہل مدینہ عبد اللہ بن ابی بن سلول ومتابعان او کہ قریب سہ صد کس تقریبا باشند وبعضی اعراب وبادیہ نشینان کہ مساکن آنہا گرد مدینہ بود برای طمع دنیا بنفاق ایمان آوردند یعنی بظاہر کلمہ اسلام خواندند ودر باطن کفر مضمر داشتند چنانچہ حق سبحانہ میفرماید وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وبعضی از کسان کہ گرد مدینہ می باشد منافقانند وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ یعنی بعضی از اہل مدینہ خالی شدند از نیکی در حالیکہ بر نفاق نمیدانی تو ای محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آنہا را ما میدانیم ایشان را سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ زود باشد کہ عذاب کنیم آنہا را دو بار یعنی یکبار در دنیا وبار دوم در قبر بستر

روگردان شوند آن منافقان بسوی عذاب بزرگ در آخرت یعنی عذاب دوزخ پس حقتعالی منافقین را از مومنین ممتاز ساخت چنانچه میفرماید مَا كَانَ اللّٰهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلٰى مَا اَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتّٰى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ یعنی نیست ونسزد خدا تعالی را که بگذارد در حالیکه شما هستید یعنی مختلط مومن و منافق تا که امتیاز دهد پاکان را از ناپاکان یعنی مومنان را از منافقان و از آیت سابق یعنی وَ مِنْ اَهْلِ الْمَدِينَةِ که بکلمه مِن تبعیضیه وارد نشده ظاهر شد که منافقان بنسبت به مومنان بغایت اندک بودند و مومنان هزارها بودند چنانکه يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا و مانند آن بران دلالت دارد و چون غزوهٔ تبوک بعد از فتح مکه در سال نهم از هجرت بوقوع آمد و اکثر منافقین تخلف نمودند و همراه نرفتند و بعد مراجعت آنحضرت عذرهای باطل آوردند حقتعالی آنها را فضیحت و رسوا ساخت چنانچه میفرماید يَعْتَذِرُونَ اِلَيْكُمْ اِذَا رَجَعْتُمْ اِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللّٰهُ مِنْ اَخْبَارِكُمْ عذر خواهند آورد بسوی شما چون رجوع کنید بسوی ایشان از غزوهٔ تبوک بگو ای محمد عذرهای باطل میارید که ما شما را باور نکنیم بتحقیق خبردار کرد ما را خدا تعالی از خبرهای شما و بعضی منافقان که درین غزوه همراه بودند آنها را هم فضیحت و رسوا ساخت و آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم حذیفه بن یمان را از نام و نشان بعضی آنها خبردار کرده آنها را نخواند و شد و درشتی درباره آنها فرمود چنانچه آیت کریمه يَا اَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ

وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ازان ایها میفرماید یعنی ای نبی جهاد کن بکفار و
منافقان وسختی وشدت کن برانها وحق تعالی آنحضرت راانماز برجنازه منافقان
نهی فرموده وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ نماز
مکن ای پیغمبر برجنازه کسی از منافقان که بمیرد همیشه و بر قبر او مایست که در حق منافق
چه میفرماید فَإِن يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ پس اگر توبه کنند منافقان از نفاق خود بهتر
باشد مرایشان را وَإِن يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
واگر رو گردانند از توبه عذاب کند آنها را خدا تعالی عذاب دردناک در دنیا و در آخرت
وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ونباشد ایشان را در زمین هیچ مددگاری
ویاری بعد ازان کسی که از نفاق توبه کرد در مدینه باقی ماند وکسانیکه ازانها توبه نکردند
ومنافق ماندند از مدینه مطهره بیرون شدند ویا خراب شده بمردند ویا کشته شدند
وازانها نشانی نماند ودر مدینه نماندند مگر خلص اصحاب آنحضرت چنانچه لَّئِن لَّمْ يَنتَهِ
الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ
بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا
تَقْتِيلًا ازان خبر میدهد یعنی اگر باز نیایند منافقان از نفاق خود و باز نیایند کسانیکه
در دلهای شان بیماری ست چون ضعف اسلام و مانند آن واگر باز نیایند آنها که خبر
بد می افگنند در مدینه از لشکرهای اسلام وعیبها مر زمان هر آئینه برگماریم و مسلط کنیم
ترا ای محمد برایشان پس همسایگی نکنند با تو در مدینه مگر زمان اندک زود از شهر مدینه

بیرون روندگان و دور ماندگان اند هر کجا که یافته شوند گرفته شوند و کشته شوند کشته شدنی
این آیتیست که در قبائح منافقین بر تو خواندیم و دیگر آیات نیز بسیار اند هر چه در این آیت
از قبائح و وعیدهای شدید که در حق منافقان مذکور شده در حق خلص اصحاب خصوص مهاجرین
و انصار بر عکس این قبائح از اوصاف حمیده و وعدهای پسندیده در آیات سابق ذکر
یافته چنانچه در حق منافقان مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ گفته در حق
مهاجرین وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ فرموده و چنانچه در حق منافقان وَلَا
يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا فرمود یعنی در مدینه همسایه پیغمبر نخواهند ماند و بیرون خواهند شد
و در حق مهاجرین وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي
الدُّنْيَا حَسَنَةً فرمود یعنی کسانیکه در راه خدا هجرت کردند بعد از آنکه ستم کرده شدند
هر آینه جا دهیم آنها را در دنیا به بلدهٔ نیکو که مدینه مطهره است وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ
و هر آینه اجر آخرت بزرگتر است و شک نیست که حق سبحانه جمیع صحابه خصوصاً مهاجرین
را در مدینه جا داد و نصرت آنها چنانچه در جناب آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم کرده بود
و آنها را بر کفار آنملک غلبه داده بود و بعد از وفات آنسرور هم نصرت کرد و هزارها ملک
را از دست ایشان اسلام نصیب ساخت و خلفای راشدین را بمدینه مطهره بنهجی
جا داد که مدت العمر در آنجا گذرانیدند بلکه خلفای ثلثه بعد وفات هم همانجا مدفون
گشتند شیخین چنانچه در حیات خود علی الدوام رفیق و مصاحب آنجناب بودند
بعد وفات هم مرقد منور شان بمرقد مطهر و معطر رسالت مآب صلی الله علیه و آله و سلم پیوست

پیوست و ذو النورین در بقیع رونق افزا گردید و هر چه خدا تعالی وعدهٔ نصرت و جا دادن
در مدینه در حق مهاجرین فی سبیل الله کرده بود در حق ایشان بعمل آورد و پس ثابت شد که
ایشان را همه مهاجرین فی سبیل الله و انصار الله بودند نه منافق چه اگر آنها منافق بودندی
بحکم آیت منافقین از مدینه بیرون شدندی و خدا تعالی پیغمبر خود را بر آنها مسلط ساختی
و کسی از زمین یاری آنها نکردی سبحان الذی کلامه قول فصل و ما هو بالهزل و یقین است
که با وجود اینقدر تصریحات قرآنی هر که ایمان بقرآن داشته باشد در دل او هیچ شکی و خلجانی
نخواهد ماند و بروی روشن تر از آفتاب ست خواهد بود که صحابه اولین و آخرین همه مغفور
اند و بهشتی و همه آن ناصران دین خدا بودند و نفاق را گرد آنها راه نیست و یقین خواهد دانست
که مذهب روافض هیچ و دین باطل ست و تمام کتب این ضالین لغویات و خرافات اند
و از این مذهب توبه نموده بسوی مطالب قرآنی خواهد آمد و اگر معاذ الله با وجود این قسم تصریحات
قرآنی هم بحکم خَتَمَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ پردهٔ ضلالت از دل کسی بر نخیزد و بر کفریات
مالوفهٔ خود ثابت ماند او را فکر آخرت خود باید نمود و او را بحث کردن در حال صحابه
چه سود خواهد بود حَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ در ذکر مرتدین و تمیز شان بعهد نبی
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و اصحابه اجمعین بدانکه حق سبحانه و تعالی در سورهٔ مائده میفرماید
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ
وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ ای کسانیکه ایمان آورده اید
هر که مرتد شود از شما از دین خود پس زود شتاب بیارد یعنی قائم کند خدا تعالی

قومی را که دوست میدارد آنها را و آنها دوست میدارند خدا را مهربانان و متواضعان بر مومنین غلبه کنندگان بر کافرین يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ که جهاد خواهند کرد آنقوم در راه خدا و مرتدان را خواهند کشت و نخواهند ترسید از ملامت کردن هیچ ملامت کننده از این آیت معلوم شد که بعضی کسان که در اوقات ایمان آورده مومن اگر مرتد شوند قومی دیگر از مومنان کامل الایمان آنها را بکشند و با آنها جهاد نمایند و از منع کردن و ملامت نمودن هیچکس باک ندارند و از جهاد شان تعالی عد نسازند پس بعد آنکه قریب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سه فرقه مرتد شدند فرقه اول در یمن که نام او مدحج بود رئیس آنجماعت اسود عنسی دعوی نبوت کرده اکثر بلاد یمن را در تصرف خود آورد پس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بسوی معاذ بن جبل که در ان ایام با جماعت صحابه در آنجا بود نوشت که مردمان را جمع کرده اسود را باید کشت قضارا شخصی که نام او فیروز بود او را بر بستر او بقتل رسانید پس آنحضرت بوحی آسمانی دریافته بشارت قتل او بصحابه دادند و روز دوم از ینعالم رحلت فرمودند صلی الله علیه و آله و اصحابه اجمعین فرقه دوم بنی حنیف قوم مسیلمه کذاب که در حیات آنحضرت دعوی نبوت کرده بود و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم را نوشت که من و تو هر دو پیغمبریم نیمه زمین از آن تو و نیمه از آن من ست آنحضرت در جواب نوشت فَأَمَّا بَعْدُ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ بدرستیکه زمین برای خداست و مملوکه و مخلوقه اوست وارث میکرداند خدا آن زمین را هر کرا میخواهد از بندگان خود و نیز انجام و عاقبت برای متقیان ست و آنحضرت قریب آن از ین عالم رحلت فرمودند پس ابو بکر صدیق

صدیق رضی الله عنه خالد بن ولید را با جماعهٔ صحابه برای جنگ وی فرستاد بعد محاربهٔ بسیار فتح لشکر اسلام شد و مسیلمهٔ کذاب از دست وحشی قاتل حمزه رضی الله عنه مقتول شد و غنیمت بسیار بدست مسلمانان افتاد مادر محمد بن حنفیه از سبایای همان غزوه است که ابوبکر صدیق بعلی مرتضی رضی الله عنهما داده بود و محمد بن حنفیه از ان تولد شد فرقهٔ سوم بنو اسد که رئیس ایشان طلیحه بن خویلد بود در حیات آنسرور علیه الصلوة والسلام دعوی نبوت کرده بود پس ابوبکر صدیق خالد بن ولید را بسوی وی فرستاد خالد او را هزیمت داد و وی گریخته بطرف شام رفت و باز اسلام آورد وبعد وفات رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در خلافت صدیق اکبر هفت فرقه مرتد شدند فزاره و غطفان و بنو سلیم و بنو یربوع و بعضی از تمیم و کنده و بنو بکر حق سبحانه وتعالی دین خود را نصرت کرد و این همه را از دست اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در خلافت صدیق اکبر مخذول و مقتول ساخت و بعضی اسلام آوردند و توبه نمودند چون قتال بمرتدین بعد وفات رسول الله جز در زمان خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه تا الی الیوم بوقوع نیامده لهذا جماعت مفسرین از امیر المومنین علی رضی الله عنه و حسن و قتاده و ضحاک روایت کرده اند که قوم یحبهم و یحبونه تا آخر اوصاف اصحاب رسول الله اند که در رفاقت صدیق اکبر بمرتدین جهاد کردند و آنها را کشتند و بعضی مفسرین گفته اند که مراد ازین اشعرین اند که هم در رفاقت ابی بکر صدیق بمرتدین قتال کردند و ازین آیت هم کمال مدح و محاسن اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وا شنع لعنت و تهمت ارتداد بوجهی باطل گشت که فوق آن متصور نیست به بعضی اصحاب رسول الله خصوصا خلفای ثلثه کسی از مومنین قتال کرد

بلکه تمامه مومنین کامل الایمان حتی امیر المومنین علی کرم الله وجهه و ابوذر و مقداد و جابر
و حذیفه وغیره رضی الله عنهم انقیاد و اطاعت آنها کرده و همراه آنها پنجگانه نماز و جمعه و عیدین
خواندند و کسی از انها با ایشان جهاد نکرده پس با وجود این قسم تصریحات قرآنی انکار کرده از فضائل
خلفای راشدین وغیره اصحاب سید المرسلین که از هیچکس متصور نیست مگر از تمام قرآن انکار
کرده بدین یهودیه یا نصرانیه رجوع کرده مرتد شود نعوذ بالله من الشک و الشرک و الکفر و سوء الخاتمة
اللهم ثبتنا علی الصراط المستقیم ای برادر چون این همه آیات بینات بر تو واضح گشت که اصحاب
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خصوصا مهاجرین و انصار و خصوصا خلفای اربعه ابرار
موصوف بصفات حمیده بودند که در قرآن جابجا ذکر آن شنیدی بهیچ وجه مورد طعن نیستند
به کمال هدایت و ایمان بودند و فسق و ضلالت را با آنها راه نیست دانستی که هرچه آن اصحاب
در عین اقتدار و ایام تمکین و خلافت خود بعمل آوردند از قبیل امر و نهی منکر بموجب
نص ان مکناهم خواهد بود و بموجب وعده الهی مرضی و مقبول خواهد بود چنانچه
وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ شاهد آنست پس کسی را بران جای
و مجال رد و قدح نباشد بلکه اقوال آنها تفصیل معانی سنت و از اصول شرع باید دانست
و خلاف آنها قول دیگر نباید آورد که آن ضلالت و گمراهی ست و چون آنها بموجب
نصوص سابقه صادقین و مصلحین اند تمام روایات آنها را معتبر و مقبول باید دانست
و بهیچ وجه تهمت کذب و مانند آن بران اکابر نباید بست و افعال و اقوال پیغمبر را از آنها
اخذ نموده بران عمل باید کرد و در تفسیر و تاویل قرآن خود تراشی نباید نمود بلکه هرچه آنها

آنها از آنحضرت تفسیر قرآن روایت کنند مراد حق همان باید دانست مثلاً قوله تعالی وَامْسَحُوا
بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ اگرچه باعتبار عربیت احتمال مسح و شستن پا هر دو دارد اما چون
صادقین عمل آنسرور همیشه بر شستن روایت کردند و خود نیز عمل کردند ظاهر شد که مراد از آیت
شستن پاست نه مسح آن و اگر در مسئله اقوال صحابه مختلف باشند بر عامه ما جائز است که تقلید
هر کسی که خواهند بکنند و آنهمه اقوال را ترک داده قولی دیگر بر آوردن روا نباشد و اگر قولی از
کدام صحابی مشهور شود و دیگر اصحاب سکوت نمایند و رد نکنند بران هم عمل کردن واجب است چه ان
قول اگر مسلم نبود آن جماعت آخرین بمعروف از اظهار حق قصور نمیکردند و اگر دیگران رد نمایند
آن قول را نمایند بر آن قول عمل نباید کرد و قول آن قائل را حمل بر خطای اجتهادی یا عدم علم او بحدیث
یا نسیان او از ان حدیث باید کرد و اگر جمیع اصحاب بر قولی اتفاق کنند پس آن امر دلیلیست
قطعی اتباع آن البته واجب است و خلاف آن ضلالت و گمراهی و چون این اصل بدست آمد
بوجه جلی وانوار ظاهر و هویدا گشت که فرقهٔ ناجیه اهلسنت و جماعت اند که تمام عقائد ایشان از
قرآن مستنبط است و ایشان تاویل و توجیه قرآن از عقل خود نمیتراشند بلکه هر چه مهاجرین و انصار
با ایشان از صادق مصدوق سید المرسلین صلی الله علیه وآله وسلم رسانیده بران اعتقاد دارند
و عمل میکنند چنانکه صادقین روایت کرده اند که این آیت محمول بظاهر خود است ایشان
نیز آنرا بر ظاهرش میدارند چنانچه قوله تعالی وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ
بروایت جماعت کثیره از صحابه ثابت شده که محمول بر ظاهر است و روز قیامت رویت
حق سبحانه خواهد بود و ایشان دران انکار نمیکنند بلکه ایمان می آرند و میگویند چنانچه در دنیا بصفت

تنزیه او را امیدانم در آخرت نیز بصفت تنزیه خواهم دید و عقل خود را دخل داده خود تراشی
نمیکنند و جائیکه صادقین گفتند که معنی ظاهری مراد نیست ایشان نیز بهمان نمط ایمان
می آرند چنانچه یَدُ اللّٰهِ فَوقَ اَیدِیهِم وَالرَّحمٰنُ عَلَی العَرشِ استَوٰی و مانند آن
از متشابهات دانسته ایمان می آرند و خود تراشی نمیکنند پس ثابت شد که ایشان بر تمام قرآن
ایمان میدارند و در تفسیر و تاویل آن تابع صحابه اند چنانچه حق تعالی در وصف آنها میفرماید
وَالَّذِینَ اتَّبَعُوهُم بِاِحسَانٍ رَّضِیَ اللّٰهُ عَنهُم وَرَضُوا عَنهُ وَاَعَدَّ لَهُم
جَنّٰتٍ یعنی برای تابعین صحابه بهشتهاست و ظاهر شد که ایشان اند که در وصف آنها
وارد شده وَالرّٰسِخُونَ فِی العِلمِ یَقُولُونَ اٰمَنَّا بِهٖ کُلٌّ مِّن عِندِ رَبِّنَا
یعنی کسانیکه در علم دین راسخ و محکم اند میگویند ایمان آوردیم بهمه آیات قرآنی محکمات و
متشابهات و ایشان اند که بعد صحابه آمدند در حق آنها میگویند رَبَّنَا اغفِر لَنَا وَلِاِخوَانِنَا
الَّذِینَ سَبَقُونَا بِالاِیمَانِ و ظاهر شد که ایشانند گروه و لشکر خدا که در وصف
آنها آمده فَاِنَّ حِزبَ اللّٰهِ هُمُ الغٰلِبُونَ پس برستیکه لشکر خدا ایشانند غالب
بر اهل ضلالت و شک نیست که اهل سنت و جماعت در اکثر اوقات و اکثر بلاد بر دیگر فرقهای
باطله غالب اند حتی که روافض خود معترف اند که مذهب ما همیشه مخفی مانده و تقیه دین ما است
نعوذ بالله من خرافاتهم و ظاهر شد که ایشان مثل صحابه ایمان آورده اند پس بموجب نص فَاِن
اٰمَنُوا بِمِثلِ مَا اٰمَنتُم بِهٖ فَقَدِ اهتَدَوا ایشان بر کمال هدایت اند نه غیر ایشان
بلکه دیگر فرقهای باطله معتزله وغیره تابع عقل ناقص خود اند و همه جا ناف و تحریف قرآن

سیپاره تلک الرسل رکوع اول سوره آل عمران

سیپاره قد سمع رکوع اول سوره حشر

قرآن کار ایشان ست خصوصا خوارج و روافض که تمام آیات قرآنی را که در مدح صحابہ کرام وارد شده اند تحریف و تغیر داده افضل و اشرف آنها را هدف مطاعن ساختند روافض در حق پیشوای صدیقین و سرحلقه اصحاب سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم تمام آیات باهرات که سابق خوانده شده که سوای آنها بسیار اند فراموش کرده از لفظ لاتحزن پی طعن برده گفتند که این لفظ دلالت بر نقص و نامردی می کند و اینقدر در گریبان خود ندیدند که تقیه مخوف را مذهب ائمه اثنا عشر و نزد امیر المومنین بیست و چهار سال از در پس همچون کسان بتقیه میخواندند و گاهی در باب خلافت و بروی ایشان دم نزد بلکه دختر طاهره خود را بتقیه در نکاح حضرت عمر داد و مدت العمر مغلوب آنها ماند مارا این سخن گفتن نمی زیبد معاذ الله من کفر با تهم این بهتان ست برایمه طاهرین و رئیس الصدیقین بلکه همه بزرگان مهاجران فی سبیل الله بودند و لا یخافون لومة لائم وصف شان ست چنانچه تقریر این مدعا سابق کرات و مرات در تفسیر آیات قرآنی نموده آمد و حق نسبت که حزن ابوبکر صدیق بر جان مبارک آنسرور صلی الله علیه و آله وسلم بود که تمام سوراخهای غار را بپارچه های خود بند کرده در یک سوراخ پاشنه پای خود در آورده پیش از خود در بجناب آنحضرت عرض کرد اِنْ قُتِلْتُ فَاَنَا رَجُلٌ وَّاحِدٌ وَاِنْ قُتِلْتَ قُتِلَتِ الْاُمَّةُ یعنی یا رسول الله اگر تنها کشته شوم چه باک که یک کس کشته شوم و اگر ذات پاک ترا گزندی رسد هلاک تمام امت خواهد بود در مقام آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم برای دفع این حزن و برای تسلی او فرموده لَا تَحْزَنْ اِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا و این لفظ بر کمال

منقبت ابی بکر رضی الله عنه دلالت ندارد چه آنحضرت مع خدا نفس شریف خود و ذات ابو بکر را
ثابت کرده صیغهٔ متکلم مع الغیر آورده معیت حق سبحانه خاصهٔ متقیان و محسنان نیست چنانچه در قرآن
آمده إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ بدرستی که خدا همراه متقیان
و محسنان است و در ذکر اصحاب بدر گذشت إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ و در حق ملائکه که در بدر
حاضر شده بودند فرمود إِنِّي مَعَكُمْ و شک نیست که ابو بکر در انجا هم حاضر بود پس معلوم شد
که این طعن بسبب سوء فهم و خیال فاسد شان است و باطل محض است اعتباری ندارد و در
حقیقت این منقبت است چنانچه تقریر یافت و این قدر این حمقا نفهمیدند که این آیت
بعینه مثل این آیت است که حق تعالی در قصهٔ موسی و هارون علیهما السلام میفرماید
قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى گفتند موسی و هارون ای
پروردگار ما بدرستی که ما می‌ترسیم از انکه فرعون پیشی کند بر ما یعنی بعذاب ما تعجیل کند یا زیاده
سرکشی کند و در همین قصه در جای دیگر آمده فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ یعنی موسی گفت
پس می‌ترسم که مرا بقتل رسانند حق تعالی در جواب شان فرمود قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي
مَعَكُمَا یعنی نترسید که ای موسی و هارون بدرستیکه من همراه شما ام پس اگر این حزن و
خوف عیب باشد معاذ الله طعن در نبوت حضرت موسی و هارون علیهما السلام لازم
می‌آید و حال خوارج را هم در شان علی همین قیاس کن و تامل فرما که چگونه این قوم
قرآن را جابجا تحریف کردند و مانند یهود که در شان آنها وارد شده یُحَرِّفُونَ
الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ گشتند پس ظاهر شد که این

این تاویلات و تحریفات شان مشابه بآنست که ملحدان و سبزه نوشان گویند که حق تعالی در قرآن
از نماز منع کرده لَا تَقْرَبُوا الصَّلٰوةَ فرموده و از لفظ وَاَنْتُمْ سُكَارٰى و از آیات
دیگر که در آن امر صلوٰة واقع شد چشم پوشند و نه نماز خوانند و نه زکوٰة دهند بلکه تمام
عمر بفسق و فجور گذران کنند و بمیرند و موصل جهنم شوند چون این همه واضح گشت و ثابت شد که
تمام کتب مذهب این فرقه مشحون بکفریات اند و هرچه ایشان قصه های طویل عریض
در مطاعن صحابه ذکر کنند همه باطل و مفتریات است و نصوص قرآن مبطل و مکذب ایشان
پس ظاهر شد که ایشان به اَطِیْعُوا اللّٰهَ کار ندارند بلکه در تمام عقائد مخالفت قرآن
میکنند چه بنای عقائد شان بر نفاق و ارتداد صحابه است نعوذ بالله منه چنانکه
بنای اهل سنت بر ایمان و اخلاص شان است خود معلوم کردی که این بنای شان کفر محض
و انکار تمام قرآن است پس اطاعت رسول هم از ایشان بطریق اولی مفقود گشت
چه رسول خدا خلاف امر خدا نمیگوید و نیز اطاعت رسول موقوف است بر آنکه افعال
و اقوال او را از صادقین یعنی صحابه اخذ نمایند و احوال شان در حق صحابه گذشت
که معلوم کردی پس اطاعت ائمه اهلبیت هم از ایشان بطریق اولی مفقود گشت
چه آنها محبوبان خدا و مقربان جناب کبریا بودند از ایشان محال است که خلاف قرآن
و حدیث صورت بندد پس ظاهر شد که این قول شان که بآیات اَطِیْعُوا اللّٰهَ الآخر
عمل میکنیم دروغ و خدع بود که باین فریب مردمان را کشیده در چاه ضلالت می اندازند
و ظاهر شد که نسبت مذهب ایشان به امام جعفر صادق و دیگر ائمه طاهرین رضی الله عنهم

کذب محض ست و دروغ صریح ست فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب
العالمین وظاهر شد که عمل بآیت مذکوره اهلسنت میکنند که تمام قرآن بروفق عقائد شان ناطق
است واحادیث رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم واقوال اهلبیت وصحابه را تفسیر قرآن
دانسته عمل بران میکنند وهمه این بزرگان حسن عقیدت داشته در حق آنها ربنا اغفر
لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان میخوانند فاولئک الذین
هداهم الله واولئک هم اولوا الالباب اکنون وقت آن شد که چنانچه نجات
اهلسنت وجماعت از آیات بینات قرآنی واضح ساختیم نجات اینها از کلام نوباوهٔ حدیقهٔ
رسالت وشگوفهٔ بستان ولایت امام المومنین زبدة العارفین حضرت علی بن الحسین زین العابدین
سلام الله علیه وعلی آبائه الطاهرین وابنائه الطیبین واحبابه المهتدین بیان سازیم تا بطریق
نور علی نور واضح گردد که مذهب اهلسنت وجماعت همین مذهب اهلسنت وجماعت بود
نه چیزی دیگر پس بشنو که حضرت سجاد در صحیفهٔ کامله که نزد شیعه معتبر ومعمول ست چه میفرمایند
اللهم واتباع الرسل ومصدقوهم من اهل الارض بالغیب عند معارضة
المعاندین لهم بالتکذیب والاشتیاق الی المرسلین بحقائق الایمان
فی کل دهر وزمان ارسلت فیه رسولا واقمت لاهله دلیلا من
لدن آدم الی محمد صلی الله علیه وآله من ائمة الهدی وقادة اهل التقی
علی جمیعهم السلام فاذکرهم منک بمغفرة ورضوان حاصل معنی این کلام
آنست که خدایا اصحاب جمیع پیغمبران که از وقت آدم تا زمان رسالت نبینا صلی الله علیه واله

وآله وسلم گذشته اند و برانبیا در وقت تکذیب کفار ایمان آورده اند وسبقت وپیشی در اسلام کرده اند همه اینحضرت یاد کن و از انها خوشنود باش و چون درین عموم اصحاب محمد صلی الله علیه وآله وسلم داخل بودند برای اظهار شرف و رتبه بار دیگر ذکر آنها جدا میفرماید اَللّٰهُمَّ وَخُصَّ اَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَاصَّةً خدایا اصحاب محمد را صلی الله علیه وآله وسلم علی الخصوص نوازش فرما پس در مقام مدح صحابه آمده میفرماید اَلَّذِيْنَ اَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ آنانند که نیک کردند صحبت پیغمبر را صلی الله علیه وآله وسلم وَالَّذِيْنَ اَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِيْ نَصْرِهٖ وآنانند که دادند عطای نیک را در نصرت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم یعنی مالهای خود را نفقه کردند برای قوت دین او وَكَانَفُوْهُ و در میان گرفتند و از شر اعدا حمایت کردند آنحضرت را وَاَسْرَعُوْا اِلٰى وِفَادَتِهٖ وشتاب کردند بآمدن در پیش آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم وَسَابَقُوْا اِلٰى دَعْوَتِهٖ وپیشی وسبقت کردند بدعوت او یعنی پیش از دیگران اسلام آوردند چنانچه عشره مبشره رضی الله عنهم وغیرهم وَاسْتَجَابُوْا لَهٗ حَيْثُ اَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَاتِهٖ وقبول نمودند چون شنوانید آنها را حجت رسالت خود که قرآن است وَفَارَقُوا الْاَزْوَاجَ وَالْاَوْلَادَ فِيْ اِظْهَارِ كَلِمَتِهٖ وجدائی کردند وبگذاشتند زنان وفرزندان خود را در ظاهر کردن کلمهٔ او یعنی هجرت ایشان برای غلبهٔ کلمهٔ اسلام بود نه برای اغراض دنیوی وَقَاتَلُوا الْاٰبَاءَ وَالْاَبْنَاءَ فِيْ تَثْبِيْتِ نُبُوَّتِهٖ وقتال کردند به پدران وپسران خود در محکم واستوار ساختن نبوت او وَانْتَصَرُوْا بِهٖ وانتقام کشیدند ویا غالب آمدند بر کفار بسبب نصرت وحمایت

آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم هرکرا عقل ودین باشد بروی مخفی نخواهد ماند
که این صفات جمیع صحابه است چه همه‌ها جهاد ونصرت آنحضرت میکردند وبه اقارب خود
میجنگیدند ودر هر معرکه وغزوه انبوه کثیر جمع میشدند وغلبه همه‌ آنها حاصل گشت لیکن
محض بفضل الهی چنانچه در تفسیر آیات قرآنی این بحث بتفصیل بیان نموده شد وَمَن
كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ وکسانیکه بودند پیچیده بر محبت آنحضرت يَرْجُونَ تِجَارَةً
لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ امید میداشتند سوداگری را که هرگز زیان ندارد در دوستی آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم وَالَّذِينَ هَجَرَتْهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ وآنانکه
ترک کردند ایشان را قبیله‌های ایشان چون تمسک زدند بحلقهٔ هدایت او وَانْتَفَتْ مِنْهُمُ
الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ ونیست ونابود شد از ایشان رشته‌های قرابت
چون ساکن شدند در سایهٔ قرابت وَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللّٰهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ
پس فراموش مکن ایشان را ای خدا آنچه ترک کردند برای تو در راه تو یعنی جزای آنها البته
عنایت فرما وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وخوشنود ساز ایشان را از خوشنودی خود
وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ عَلَيْكَ وخوشنود ساز آنها را بسبب آنکه جمع کردند خلق را
وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةً لَكَ إِلَيْكَ بودند ایشان همراه پیغمبر صلی الله علیه
وآله وسلم تو خوانندگان برای تو بسوی تو بعضی اصحاب آنحضرت چنانکه خود کامل بودند
سعی در تکمیل دیگران نیز میکردند ظاهر است که تمام صحابه جمع کنندگان خلق بر دین
اسلام ودعوت کنندگان بندگان بسوی دین خدا تعالی بودند در هر شهر و هر بلده

بلده جماعتی عظیم از ایشان سکونت ورزیده انتشار علوم دینی نمودند کسی احمق هم این
سخن نگوید چه جای عاقل که دعوی علمیت دارد وَاشكُرهُم عَلى هجرانهم فيك ديار
قومهم وجزاده ایشان را بهجرت کردن ایشان در راه تو شهرهای خود را وخروجهم
من سعة المعاش الى الضيقه وجزاده ایشان را بر بیرون شدن از فراخی معاش
خود بسوی تنگی آن یعنی بعد هجرت از خانها خود و عیش خود کناره گزیدند و در دیار غریب
به تنگی عیش افتادند وَمَن كثرت في اعزاز دينك من مظلومهم
و بکن بکسانیکه بسیار کردی بوجود آنها مطیعان خود را در عزیز ساختن دین تو که آنها مظلوم
صحابه اند یعنی مهاجران اول مظلوم بودند بعد از ان که هجرت کردند و جهاد واقع شد
دین بسبب آنها غالب گشت و بسیار مسلمان شدند اللهم واوصل الى
التابعين لهم باحسان الذين يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا
الذين سبقونا بالايمان خير جزائك خدایا برسان به پیروی کنندگان
صحابه که به نیکی متابعت آنهم اختیار نمودند تابعین میگویند خدایا بیامرز ما را و برادران
ما را که پیش از ما ایمان آوردند و بهترین جزای خود این کلام امام اشارت ست بآنکه
قسم سوم از مسلمانان همان کسانند که در حق صحابه دعای خیر میکنند و آنها غل و کینه
ندارند و ظاهرست که این وصف خاصه اهلسنت وجماعت ست پس ایشان
ناجی و منصورند موافق مذهب اهلبیت و موافق قرآن نه مخالفان ایشان وهو المطلوب
بازبشنو که در مدح تابعین چه میفرماید الذين قصدوا سنتهم آن تابعين

که قصد کردند طریقه صحابه را وَتَحَرَّوا وِجهَتَهُم یعنی و دانسته قصد کردند جهت صحابه
را وَمَضَوا عَلَی شَاکِلَتِهِم و رفتند بر طریقه و مذهب صحابه لَم یَثنِهِم رَیبٌ فِی
بَصِیرَتِهِم نه گردانید آن تابعین را هیچ نزاع و شکی در یقین صحابه یعنی صحابه را بر راه راست
دانسته‌اند وَلَم یَختَلِجهُم شَکٌّ فِی قَفوِ آثَارِهِم و خلجان نکرد و تخلیه آن
تابعین را شکی در پیروی کردن آثار صحابه را بی شک و شبهه بر راه راست دانسته پیروی آنها
کردند وَالِائتِمَامِ بِهِدَایَةِ مَنَارِهِم و شک نکردند در اقتدا بهدایت نور نشانهای صحابه
یعنی صحابه را بر راه روشن هدایت اتباع و اقتدای آنها کردند هر که ایمان بقرآن و قدر و بیعت
بجناب پاک امام سجاد علیه السلام داشته باشد بروی مخفی نخواهد ماند که هر کلمه ازین کلمات
مبطل روافض و خوارج ست و غیره فرقهای باطله چه روافض در حق تمام صحابه
بغض بسیار دارند بلکه اکثر آنها را گمراه میدانند و حسن ظن ندارند مگر بچندی از آنها و خوارج
گرگ برادر شغال اند و مانند روافض به رئیس مهاجرین علی مرتضی و عثمان و بعضی دیگر
از صحابه سوء اعتقاد میدارند و غیره فرقه های در تفسیر قرآن تاویل نصوص تابع روایات
صحابه نیستند بلکه بهوای ائمه خود میروند و سوی آرای صحابه ابی بر آورده اند و اهلسنت
اتباع آنها میکنند پس بمذهب حضرت زین العابدین بنصوص مذکوره بالا اهل حق
ایشانند نه غیر ایشان و هو المطلوب باز بشنو که امام چه میفرماید مُکَانِفِینَ وَمُوَازِرِینَ
لَهُم حمایت کنندگان و اعانت نمایندگان صحابه اند یعنی اگر گمراهی شیطان و آرای
بجناب پاک طعن کنند کار تابعین آنست که او را برانند و بجواب شتابی فی طرد نمایند ازین لفظ تمام

تمام اعتراضات شیاطین کہ بصحابہ نسبت کنند ساقط شدند وظاہر گشت کہ کار مسلمانان جواب
طعن ورد آنہاست نہ طعن و تشنیع نمودن وشک نیست کہ این صنف خاص اہلسنت ست پس
ایشان بمذہب امام علیہ السلام معتقد وناجی اند نہ غیر ایشان باز بشنو کہ چہ میفرماید یدینون
بدینہم لعقائد میدارند واطاعت وانقیاد میکنند بدین صحابہ ویهتدون بہدایتہم
وبراہ میروند براہ صحابہ کہ عین ہدایت یتفقون علیہم درحالیکہ اتفاق دارند بر حقیت
صحابہ کہ از طرف آنہا جواب شبہات باطل آنہا میدہند در حق شیاطین منافقین ولا یتہمونهم
فیما ادوا الیہم وتہمت نمیکنند صحابہ را در خبریکہ ادا کردند ورسانیدند بایشان از احکام
واحادیث پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم یعنی تمام صحابہ را صادقین دانستہ روایات آنہا قبول
نمودہ بران عمل مینمایند ازین لفظ ثابت شد کہ کتب حدیث وفقہ اہلسنت ہمہ از صحابہ
منقول ست وبمذہب امام زین العابدین معتبر ومقبول ست ولازم آمد کہ کتب مخالفین ایشان
کہ برخلاف روایات صحابہ اند نزد امام زین العابدین باطل وبہتان ست پس ظاہر شد کہ نسبت
مذہب مخالفین بامام جعفر صادق کہ پارۂ جگر گوشۂ امام زین العابدین وامام محمد باقر علیہما السلام است باطل محض وافترا
صریح وانکار نصوص قطعیات ست کتب ایشان واجب الترک اند مومنان قرآن وحامیان خاندان را از ان کنارہ رفتن
فرض عین ست ومطالعۂ آن کتب باعث اتباع وسوسۂ شیاطین نعوذ باللہ منہا باز بشنو کہ امام چہ میفرماید اللّٰہم
وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِيْنَ مِنْ يَوْمِنَا هٰذَا اِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ خداوندا رحمت وصلوٰۃ
فرست بر تابعان صحابہ از امروز تا روز جزا وَعَلٰى اَزْوَاجِهِمْ وبر ازواج آنہا وعلی
ذُرِّيَّاتِهِمْ وبر اولاد آنہا وَعَلٰى مَنْ اَطَاعَكَ مِنْهُمْ وبر کسانیکہ فرمانبرداری

توکرده‌اند ازانها صلوٰة تعصمهم بها من معصیتك رحمتی که نگاه داری آنهارا بسبب
آن رحمت از گناه تو وتفسح لهم به فی ربا من جنتك وفراخ گردانی ومکان واسع
دهی آنهارا درچمن‌های جنت وتمنعهم بها من کید الشیطان وبازداری آنهارا
بسبب آن رحمت از مکر شیطان وتعینهم بها علی ما استعانوك علیه من بر
دیاری دهی آنهارا بسبب آن رحمت برامر خیر ونیکوئی که یاری خواهند از تو بران وتقیهم
طوارق اللیل والنهار الا طارقا یطرق بخیر ونگاهداری آنهارا از حوادث
شب وروز مگر حادثه که بخیر پیش آید وتبعثهم بها علی اعتقاد حسن الرجاء لك و
التطلع فیما عندك وبرانگیزی وبداری آنهارا بسبب آن رحمت بر اعتقاد
امید وآری نیک از تو وطمع ورغبت کردن در چیزیکه نزد تست از ثوابهای عطیه وتزکیهم
التهمة فیما تحویه ایدی العباد وبرترک نمودن حرص درانچه جمع میکنند آنرا دستهای
بندگان یعنی آنهارا قناعت بخش بانچه نزد تست تا بسبب طمع در مال مردمان حریص نشوند
لتردهم الی الرغبة الیك والرهبة منك وتزهدهم فی سعة العاجل
تا گردانی آنهارا راغب بسوی تو وراهب از تو وبی رغبت گردانی آنهارا در دنیا وفراخی
معاش وتحبب الیهم العمل للاجل ومحبوب گردانی بسوی ایشان عمل آخرت را
والاستعداد لما بعد الموت وطیاری کردن برای آنچه بعد موت خواهد رسید
وتهون علیهم کل کرب یحل بهم یوم خروج الانفس من ابدانها وآسان
گردانی برایشان همه سختی که برسد بآنها روز برآمدن جانها از بدنهای خود وتعافیهم

مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ ذَرَاتِهَا وعافیت دہی آنہارا از چیزہائی کہ بسبب آن فتنہ واقع شود کہ ازان حذر باید کرد وَ كَبَّةِ النَّارِ وَ طُولِ الْخُلُودِ فِيهَا ونگہداری آنہارا از برو فتادن در آتش و از درازی پایندگی در آتش وَ تُصَيِّرُهُمْ إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ و برسانی و انجام شان گردانی بمکان حفظ و امان کہ خوابگاہ متقیان ست یعنی انجام شان جنت عالیہ گردانی این ہمہ کلام حضرت سجاد زین العابدین ست کہ در حق صحابہ و تابعین آنہا بتصریحات کافی و شافی بیان فرمودہ و از دیگر ایمہ اہلبیت خصوصًا از امیر المومنین علی رضی اللہ عنہ در نہج البلاغت وغیرہ کتب شیعہ مناقب صحابہ خصوصًا مناقب شیخین رضی اللہ عنہم نیز بتواتر مروی گشتہ و الحمد للہ کہ اہلسنت و جماعت بموجب دعوات ایمہ اہلبیت مصیر شان جنت ست کہ آنہا بیکدست کتاب اللہ را محکم گرفتند و بدست دیگر محبت اہلبیت و صحابہ کرام نمودند و در میان این دو روشنی راہ یافتند و بمنزل مقصود رسیدند مخالفان شان از کتاب اللہ چنانچہ بوجہ احسن ظاہر ساختیم بالکلیہ دست بردا شتند و بعداوت صحابہ و اہل بیت کمر بستہ مطرود ابدی شدند و ہیچکس از صحابہ و اہلبیت کہ دعوی دوستی مینمایند چون خلاف کتاب اللہ گمان کفر و مانند آن بران اکابر افترا نمودند و تقیہ و مانند آنرا کہ شیوہ منافقت ست دین آنہا قرار دادند ظاہر شد کہ ایشان در دعوی محبت کاذب اند و دشمنان حقیقی آنہا اند و ایمہ از آنہا بیزار اند نعوذ باللہ من سوء الاعتقاد و اللہ الہادی و علی رحمۃ اعتمادی ای برادر این چند اوراق مشحون بآیات قرآنی برای خیر خواہی اہل اسلام کہ طالبان صراط المستقیم اند بقلم آمدہ و تمام مطالب دینی را بوجہ اجمال از قرآن مجید استدلال نمودہ مذکور شد امید از ناظران آنست کہ این سعی ناکارہ را مشکور گردانند

نکنند و بنظر انصاف ملاحظه و تعمق نموده بآیات قرآنی متعظ شوند و پند پذیرند تا در زمره اولی الالباب و اهل شوند و اگر هنوز کسی را در تعیین فرقهٔ ناجیه شک باشد و با وجود این تسلیم تصریحات قرآنی اهلسنت نزد او بر حق نباشند و پردهٔ غشاوت از چشم او نیفتد و نزد او روافض یا خوارج یا فرقهٔ دیگر ناجیه باشد بر وی لازم است که اول نصوص و آیات قرآنی که در آن تاویل را مدخلی نبود بر کفر و نفاق جمیع صحابه قائم کند چند کس را که بزعم خود در حق آنها حسن ظن دارد بنصوص قطعیه اخراج نماید و بنای مذهب خود بنصوص قطعیه درست سازد آنگاه گفت و گوی کتابی و بحث و جدال علمی بکار برد و اگر این بنا محکم نتواند ساخت و سوای قصه‌های تواریخ و تسلی نامه‌های واهی بدست او نیاید و مانند شتر دیوانه این سو و آن سو دویده خبط کرد پس بطلان و ضلالت او خود بخود هویدا خواهد گشت و قصه‌های او مقابلهٔ آیات باهرات الهیه تعالی شانه نتواند ساخت پس بشنو که حال او چه باشد وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ای برادر این همه گفت و گوی مرقومه برای خیرخواهی تو بوده است آینده تو مختاری وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَأَحِبَّائِهِ أَجْمَعِينَ

تمت

خاتمة الطبع الحمد لله که این رساله صراط المستقیم در اوایل شعبان سنه ۱۲۸۶ هجری بمطبع نظامی مطبوع گردید

العبد
منشی محمد رحمت الله عفی عنه بن حاجی محمد روشن خان حنفی نقشبندی